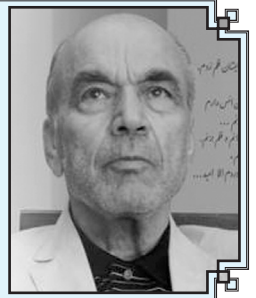




گزارشی از نکوداشت دکتر «رضا داوری اردکانی»



صفحه ۲

هشدار امام!

«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹

سال سی و چهارم ♦ شماره ۷ ♦ شماره مسلسل ۱۴۵۴ ♦ نیمه دوم تیر ماه ۱۳۹۲ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

با حضور حضرت آیت‌الله سبحانی موسوعه ۳۰ جلدی الاحادیث العلویه، در بنیاد بین‌المللی نهج البلاغه قم رونمایی شد



مراسم رونمایی از موسوعه الاحادیث العلویه با حضور حضرت آیت‌الله سبحانی، دکتر لاریجانی، آیت‌الله مقتدایی، رئیس شورای عالی حوزه‌های علمیه، آیت‌الله خاتمی امام جمعه موقت تهران و آیت‌الله سید هادی خسروشاهی برگزار شد.

آیت‌الله سید جمال‌الدین پرور در مراسم رونمایی از «موسوعه الاحادیث العلویه» در بنیاد بین‌المللی نهج البلاغه گفت: این اثر دارای ارزش بسیاری است که برای تدوین آن از ۸۰۰ منبع شیعی استفاده شده است.

ادامه در صفحه ۸

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی:

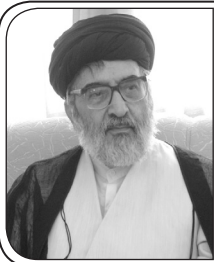
از تندروی نسبت
به عقاید مذاهب
دیگر پرهیزید



صفحه ۷

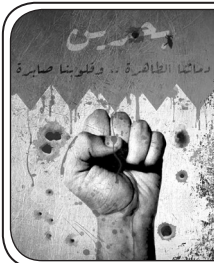
مصر و بازگشت به تجربه ناصری

گفت و گوی مثلث
با استاد خسروشاهی



صفحه ۵

تمرکز دوربین‌ها بر
سوریه فرصت‌سازی
برای ظلم آل خلیفه
بر شیعیان است



صفحه ۷

اخوان المسلمین
صدمه دیده اما
سقوط نکرده است

گفت و گوی هفته نامه پنجره با
استاد خسروشاهی



صفحه ۴

مدیر بخشی نشر مکتوب:

۶۰ درصد ناشران
نمایشگاه بین‌المللی
قرآن از قم آمده‌اند



صفحه ۸

آشوب و اشغال؛ سیاست رژیم
صهیونیستی و غرب در خاورمیانه



صفحه ۷

«تجربی و رویایی کردن کلام خدا در بوته نقد» در گفت‌ووشنود با آیت‌الله زین‌العابدین قربانی لاهیجی

بشری بودن قرآن با محکومات آن در تضاد است

شاهدتوحیدی

امروزه اسلام‌ستیزی به تمامه از روی خویش نقاب بر گرفته و خویش را به معابر نهایی گمراهی و ادعاهایی از قبیل تجربی و رویایی بودن کلام خدا رسانده است. هر چند عناد معاندان با قرآن، در طول تاریخ نتوانسته است که گردی بر جاودانگی آن نباشاند، اما مواجهه مستدل با آن سنت بزرگان دین ماست که ماه مبارک رمضان فرصتی مغتنم برای آن است. آنچه پیش رو دارید گفته‌های عالم فرزانه آیت‌الله حاج شیخ زین‌العابدین قربانی لاهیجی در این باره است.

همانطور که استحضار دارید در آستانه ماه مبارک رمضان هستیم و بهار قرآن. طبعاً برای همه در این ماه تدبیر در قرآن و استحصال گوهرهای بیشتر از این بحر عمیق مغتنم است. در این گفت‌ووشنود برآنیم که به بررسی ویژگی‌های قرآن از منظر پژوهش‌های حضرت‌تعالی بپردازیم، بنابراین سخن را از هر نقطه که صلاح می‌دانید، آغاز فرمایید.

بسم‌الله الرحمن الرحیم. الحمدلله رب العالمین و صلی‌الله علی محمد وآله الطاهیرین. فکر کردم در لحظاتی که در خدمت شما هستم، چه بحثی را مطرح کنم. به نظرم آمد ۱۰ ویژگی از ویژگی‌های قرآن را بر شمرم که هر کدام نشانگر عظمت قرآن است و هم پاسخی به شبهات معاندین است و هم تکلیف ما را سنگین می‌کند که تنها به قرائت اکتفا نکنیم و به محتوا نیز توجه کنیم تا ان شاء الله از باب «الْمَجَاز قُطْرُهُ الْحَقِيقَةُ» از قرائت به محتوا، تفسیر و عمل هم برسیم که آن، هدف قرآن است. «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْرِكٍ» محتوا را فهمیدن و حقایق را چشیدن و موج هدایتگری افکندن و رسالت رساندن اسلام ناب به دنیا و به دوش گرفتن این پرچم در عصر حاضر و در

جمهوری اسلامی به عهده ماست. ویژگی اول: اینکه قرآن عامل حرکت مسلمین بود. قرآن تا زمانی که بر پیغمبر نازل نشده بود، مردم عربستان و محل نزول قرآن از دانش و معرفت بهره‌ای نداشتند. نوشته‌اند: «در مکه ۱۱ تن و در مدینه ۱۷ نفر خواندن و نوشتن بلد بودند» ولی قرآن با «إِقْرَأْ» شروع کرد. «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» را تعلیم داد، «ن وَالْقَلَمِ» را تعلیم فرمود. موجی در جامعه اسلامی پدید آمد که در مدت کوتاهی مسلمانان پرچم دانش و معرفت را در جهان به دوش گرفتند.

ظاهراً بسیاری از محققین اروپایی هم بر این باورند که در آن دوره علم را از بلاد اسلامی گرفتند؟

در آن دوره، در بیت‌الحکمه ۴ میلیون جلد کتاب وجود داشت. در نظامیه بغداد ۶ هزار دانشجوی پزشکی بودند و عده‌ای از اروپا و جاهای دیگر می‌آمدند و بودجه آنها حتی قلم و کاغذشان هم تأمین می‌شد. در آن زمان که اروپا در تاریکی به سر می‌برد، ما بزرگ‌ترین دانشگاه‌های پزشکی و... را در دنیای اسلام داشتیم. بوعلی سینا، محمد زکریای رازی، ابن هیثم، بنوموسی و... را داشتیم. روزگاری چنین جایگاه و بزرگانی را داشتیم و نصف کره معمور زمین در اختیار ما بود که همه اینها از سر دولت قرآن بود.

ویژگی دوم: قرآن مشحون از معارف و دانش است. باید عرض کنم این است که قرآن یک کتاب افسانه، قصه و داستان‌های بی‌محتوا نیست؛ مشحون از دانش‌ها، معارف و علوم است. شما کتاب‌های منسوب به آسمان از مسیحیت، یهودیت، بودایی، برهمنی، مجوسی و زرتشتی را بخوانید و بعد با قرآن و دستورات اسلام مقایسه کنید. جمله جمله آیات قرآن تعلیم‌دهنده حکمت، فلسفه، ریاضیات، هیئت، عرفان، جامعه‌شناسی،

ماندند، کشتی گرفتند و خدا دید نمی‌تواند از دست یعقوب بگریزد، رانش را گاز گرفت تا یعقوب به خودش بیاید و خدا فرار کرد! مسلمانان حتی تمثیلات قرآنی هم نه به ورطه این ابتذال در غلطیده است و نه تهی است از نتیجه و پیام؟ قرآن ما آیین زندگی است، نه سلسله تاریخ، قصه‌ها، داستان‌های بی‌اساس و سرگرمی‌های بی‌هدف یا بدآموز. این مسائل به عنوان داستان‌سرایی و سرگرمی بی‌حاصل نیست بلکه همه نیازمندی‌های شما و ما در طول تاریخ در قرآن آمده و داستان‌ها، تاریخ و قصص آن نیز آموزنده و برای تعلیم و تربیت است. گرچه می‌گویند ۲۸۰ آیه بیشتر در قرآن به عنوان آیات الاحکام نیست و بعضی‌ها ۵۰۰، بعضی‌ها ۸۰۰، بعضی‌ها ۹۰۰، بعضی‌ها ۱۲۰۰ آیه و بیشتر از این نوع آیات نگفته‌اند، ولی تا آنجا که تحقیق کرده‌ام فقه‌ای ما از ۴ هزار آیه قرآن در ابعاد مختلف استدلال احکام دینی کرده‌اند. فقیهان ما از جای جای قرآن احکام الهی را استنباط کرده‌اند، نوعاً آیات الاحکام‌نویس‌ها می‌گویند ۵ هزار آیه، ولی فقه‌ای ما در جای جای بحث‌هایشان از مجموع ۶ هزار آیه قرآن، ۴ هزار آیه برای مسائل زندگی استدلال کرده‌اند.

ویژگی سوم: ظاهر قرآن زیبا و باطنش عمیق است. «ظَاهِرُهُ أَمَّا بَاطِنُهُ غَمِيقٌ» است، یعنی ظاهر قرآن زیبا و باطنش عمیق است. کتابی است به نام تنزیل‌التنزیل نوشته علامه هبه‌الدین شهرستانی، مجتهد بزرگ و دانشمند کم‌نظیر. در آن کتاب خواندم که در زمان ایشان، شاید ۸۰ سال پیش در رادیو بغداد آیه‌ای خوانده می‌شد، آن قدر این آیه هیمنه داشت که یک خانواده ۸۰ نفره مسیحی بغداد به خاطر شنیدن آنها مسلمان شدند. الان هم گاهی با شنیدن یک آیه جمعی متحول می‌شوند.

ادامه در صفحه ۲



کتابی به نام مجموعه قوانین زرتشت منتشر شد که حکمی در قرآن وجود ندارد که با گذشت زمان از اعتبار ساقط شود. «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ». با عنایت به مطالعاتی که دارید، مناسب است از موارد معارض با این خصلت در سایر ادیان هم نکاتی بفرمایید؟

کتابی به نام مجموعه قوانین زرتشت منتشر شد که حکمی در قرآن وجود ندارد که با گذشت زمان از اعتبار ساقط شود. «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ». با عنایت به مطالعاتی که دارید، مناسب است از موارد معارض با این خصلت در سایر ادیان هم نکاتی بفرمایید؟

ادامه از صفحه اول

از مصادیق این تحولات جمعی به مواردی اشاره فرمایید.

داستان ذکوان و اسعد بن زواره را شنیدید. آنها از قبیله خزرج و اهل مدینه بودند. رفته بودند از بزرگان قبیله قریش برای قبیله خود کمک بگیرند. قریشیان از پیامبر(ص) شکایت کردند که در میان قوم اختلاف ایجاد کرده است. آنها پرسیدند:«و کجاست؟» گفتند:«در حجر اسماعیل است و در آنجا مردم را همراه می‌کند. اگر می‌خواهید زیارت بروید پنبه در گوش‌هایتان بگذارید تا حرف‌هایش را نشنوید.» آنها رفتند. پنبه در گوششان گذاشتند و مشغول زیارت شدند. دیدند لب‌های پیامبر می‌چنبد. با خود گفتند:«ما چقدر احمقیم! خودمان شعور داریم و به حرف‌های او گوش می‌دهیم اگر درست بود قبول می‌کنیم، اگر درست نبود، نمی‌پذیریم.» پنبه را برداشتند. شنیدند آن حضرت این آیات سوره انعام را می‌خواند:«قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِفْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّامُكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أُوفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تَكَلَّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْلَمُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَ بِعَهْدِ اللَّهِ أُوفُوا ذَلِكُمْ وَصَّامُكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّامُكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» پیامبر(ص) این آیات را می‌خواند. این همان حکمت است. این همه محتوای بلند دارد.

پیش پیامبر رفتند و مسلمان و سفیران پیامبر(ص) در مدینه شدند و شهر را برای تشریف‌فرمایی رسول خدا(ص) آماده کردند. الان شما قاریان نخبه، قرآنیان دلباخته می‌توانید با آهنگ‌های داوودی‌تان موجی را در دل‌ها بیفکنید. گاهی می‌شنویم در منطقه‌ای ۳ هزار نفر مسلمان شدند. «ظاهرهٔ انبیا و باطنهٔ عییق»، ظاهر قرآن زیباست، ولی آگاهی از عمق و محتوای آن مهم‌تر است. در ترجمه‌ها معمولا ظاهر قرآن را ترجمه و بعضی‌ها به همین مقدار اکتفا می‌کنند.

دو نکته را به شما می‌گویم:«وَ اتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَانَ وَ مَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَ لَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَ مَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَائِكِينَ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ وَ مَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ وَ مَا هُمْ بِضَارِينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ يَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَ لَا نَفْعَ لَهُمْ وَ لَقَدْ عَلَّمُوا لَمِينَ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ». تفسیرالمیزان را نگاه کنید. علامه طباطبایی، استاد بزرگوار ما می‌فرماید:«این آیه یک میلیون و ۲۶۰ هزار معنی دارد!» من و تو نمی‌توانیم از عمق این آیه با صدر و ذیلس، ارتباطات قبل و بعدش این میزان معنا را دریافت کنیم، ولی علامه طباطبایی می‌تواند.

علی(ع) چه می‌کند؟ می‌گفت:«در کلمه بسم الله اگر تفسیر بگویم ۴۰ بار شتر می‌شود». نگذاشتند از اهل بیت(ع) و قرآن بهره ببریم. کتابی است به نام آیات‌الاحکام ابن عربی در چند جلد، ضمن آیه ۶ سوره مائده:«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ»، می‌گوید: بعضی از علما گفته‌اند در این آیه هزار مسئله وجود دارد. بعضی از اصحاب ما در این باره تحقیق کرده‌اند. از مجموع این مسائل ۸۰۰ مسئله را استخراج کرده‌اند و ۲۰۰ مسئله دیگر باقی مانده است، یعنی گاهی یک آیه قرآن هزار مسئله دارد و این همان «وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ» است.

و ویژگی چهارم؟

ویژگی چهارم: سفره رنگارنگ خداست. از

ویژگی‌های قرآن «مأدبه الله» بودن است، یعنی سفره پهن خداست. بر سر سفره خدا انواع غذاها پهن است. هر کسی مطابق طبع خودش از غذای سفره استفاده می‌کند. دانشمندان علم ادب از قرآن تجزیه، ترکیب و مسائل ادبی را استفاده می‌کنند. اخیرا ۱۲-۱۰ جلد کتاب راجع به تجزیه، ترکیب و مسائل ادبی قرآن به دستم رسیده است. محمود صافی و محی‌الدین درویش نیز هر کدام ۱۲-۱۰ جلد کتاب برای تجزیه، تحلیل، معانی، بیان و ترکیب آیه‌های قرآن نوشته‌اند. ذائقه اینها بر سر سفره قرآن ادبیات است.

و بر این نمط فلاسفه بر خوان عقلانیت قرآن نشسته‌اند. . .

بله، ملاصدرا در تفسیر قرآن هفت جلد کتاب نوشته و عالی‌ترین مسائل فلسفی را در تفسیرش آورده است. میبدی، خواجه عبدالله انصاری و برخی دیگر عالی‌ترین مسائل عرفان را آورده‌اند، چون طبعشان با آن غذا آشناست و طبری مهم‌ترین مسائل تاریخی را بررسی کرده است. مجمع‌البیان ذائقه بهتری دارد و ادبیات، احکام و غیر اینها را جمع کرده است.

علامه طباطبایی ذائقه بالاتری دارد و بحث‌های فلسفی، علمی، اخلاقی، تاریخی و... را بررسی کرده است و بعضی آیات کونیه و طبیعی را بررسی کرده‌اند. دو جلد کتاب دیدم به نام آیات الکونیه فی القرآن، یعنی درباره آیاتی که مربوط به آفرینش و بعضی نیز آیاتی که مربوط به احکام است، کتاب نوشته‌اند مانند قرطبی و بعضی نیز آیاتی را که مربوط به اخلاق است نوشته‌اند مثل آیات الاخلاق فی القرآن. هر کسی ذائقه‌ای دارد و قرآن مأدبه الهی است و هر کسی طبق شخصیت، نیاز و معلوماتش از قرآن استفاده می‌کند.

ویژگی پنجم: قرآن، معجزه جاوید است. این کتاب سند اثبات رسالت و معجزه جاوید پیامبر اکرم(ص) است. معجزه‌های پیامبران پیشین بر حسب مقتضیات زمانشان بود. مثل اینکه در زمان حضرت موسی(ع) سحر و شعبده رواج داشت و خداوند عصا را به دست او اژدها کرد. حضرت عیسی(ع) در زمانی مبعوث شد که علم طب حرف اول را می‌زد، از این رروا را با معجزه شفای کور و برصی و احیای موتی «ابری الاکمهٔ و الأبرص» مجhez فرمود. در زمان حضرت محمد(ص) ادبیات و شعر حرف اول را می‌زد، پیامبر اکرم نیز مجhez به کتابی شد که در عین برتری بر اشعار شاعران (معلقات سبع) از لحاظ محتوایی دارای عالی‌ترین مضامین اعتقادی، اخلاقی و احکام است.

«قُلْ لِّينِ اجْتَمَعَتِ الْإِنسُ وَ الْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا.»

منتها با این تفاوت که این معجزه منحصر به زمان خاصی نیست وجنبه لازمان والی یوم القیامه دارد...

بله، چون اسلام آئین همیشگی انسان‌ها خواهد بود، از این رو معجزه او هم باید جاودانه باشد، ولی ادیان دیگر نظر به اینکه موسمی و موقت بودند، معجزه‌های آنها نیز موقت بودند و از بین می‌رفتند، اما قرآن چون دولتش جاودان است، معجزه بودنش نیز جاودانه است و لذا همواره به مخالفان خطاب می‌کند:

«وَ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَ ادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ».

اگر در باره آنچه بر بنده خود محمد(ص) نازل کرده‌ایم، شک و تردید دارید، لااقل یک سوره همانند آن بیاورید و گواهان خود را غیر از خدا بر این کار دعوت کنید. اگر راست می‌گویید و این مطلبی نیست که ما تنها مدعی آن باشیم، بلکه مخالفان اسلام نیز به آن اعتراف دارند.

ویژگی ششم: قرآن، وحی الهی است. کتابی نیست که از فکر بشر جوشیده یا دستاورد نویسندگان بشری باشد که در آن صورت هم از لحاظ محتوا محدود بود و هم مصون از خطا و اشتباه نبود، چون دانش بشری

«تجربی و رویایی کردن کلام خدا در بوته نقد» در گفت‌وشنود با آیت‌الله زین‌العابدین قربانی لاهیجی

بشری بودن قرآن با محک‌مات آن در تضاد است

محدود و خطاپذیر است. احتمالا این فقره پاسخی است به مدعیان تجربی وحتی رویایی بودن قرآن که این روزها سربرآورده‌اند.

قرآن تأکید دارد که خداوند آن را به‌وسیله وحی یا مستقیم بر قلب پیامبر(ص) نازل فرموده است: «وَ إِنَّهُ لَنَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ» نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ» «عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ» یَلْسَانَ غَرَبِيِّ مُبِين» به‌طور قطع این قرآن از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است، روح‌الامین آن را بر قلب پاک تو نازل کرده است تا از اندازکنندگان باشی. آن را به زبان عربی آشکار نازل کرد.

«وَ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ» و شایسته هیچ انسانی نیست که خدا با او سخن بگوید، مگر از راه وحی یا از پشت حجاب یا رسولی می‌فرستد و به فرمان او آنچه بخواهد وحی می‌کند. «وَ مَا يَنْطَلِقُ عَنِ الْهَوَىٰ» إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» «عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ». محمد(ص) از روی هوی و هوس سخن نمی‌گوید و آنچه را که می‌گوید سروش غیبی است که در اختیار او گذارده است و موجود نیرومندی، فرشته وحی به او آموخته است.

اینکه بعضی از غرب‌زده‌ها و منحرفان می‌گویند، وحی عبارت است از دریافت شخصی پیغمبر(ص) از یک سلسله مطالب بدون القا از ناحیه خدا یا فرشته وحی یا شنیدن صدا از خارج با آیات قرآن سازگار نیست، زیرا: ۱) قرآن تنها به معانی اطلاق نمی‌شود، بلکه به لفظ و معنی که محصول وحی است اطلاق می‌شود. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ.»

۲) تلاوت نیز تنها بر صرف معانی اطلاق نمی‌شود، در صورتی که فرمود:«تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيَّكَ بِالْحَقِّ»

۳) در بسیاری از آیات قرآن با کلمه «قُلْ» و امثال آن امر شد که مورد وحی به مردم ابلاغ شود. مانند «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ»، «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» و... اگر وحی درک شخصی پیغمبر(ص) است، این تعبیرات چیست؟

۴) در برخی از آیات، از عجله در بیان آیات نهی شده است:«وَ لَا تَجْعَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ»؛ به تلاوت قرآن عجله نکن، پیش از آن که وحی آن بر تو تمام شود. «وَ لَا تَجْرُكْ بِهِ لِسَانُكَ لَتَجْعَلَ بِهِ» إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَ قُرْآنَهُ» فَإِذَا قَرَأْتَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ» ثُمَّ إِنَّا عَلَيْنَا بَيَانَهُ»؛ زبانت را برای عجله در خواندن قرآن حرکت مده، زیرا جمع کردن و خواندن آن به عهده ماست. پس هر گاه آن را خواندیم و از خواندن آن پیروی کن، پس بیان و توضیح آن به عهده ماست. اگر درک شخصی پیغمبر بوده است، نهی از عجله در بیان آیات چه معنی دارد؟ البته بررسی این بحث نیاز به فرصت بیشتری دارد و لازم است به کتب مراجعه شود.

ویژگی هفتم: قرآن، دست نخورده و دور از تحریف است. قرآن تنها کتاب آسمانی است که هیچ‌گونه کم و زیادی در آن صورت نگرفته و هیچ‌گونه تحریفی بدان راه نیافته است و به این واقعیت، آیات قرآن، روایات، برهان عقلی و عینیت جامعه اسلامی که عنایت ویژه به قرآن و حفظ و قرائت آن داشته‌اند، دلالت دارد.

لطفا به مستندات قرآنی عدم تحریف هم اشاره فرمایید.

قرآن می‌فرماید:«لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلُ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» و این کتابی است شکست‌ناپذیر که هیچ‌گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر به سراغ آن نمی‌آید، زیرا از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش نازل شده است.

«إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»؛ ما قرآن را نازل کردیم و به‌طور قطع آن را حفظ خواهیم کرد. چنانکه ملاحظه می‌کنید، قرآن خود را شکست‌ناپذیر می‌داند که به هیچ‌وجه بی‌اعتباری و بطلان در آن راه

ندارد، زیرا خدا خود وعده حفظ آن را فرموده است. اگر روایاتی از شیعه و سنی درباره تحریف قرآن در کتاب‌ها ذکر شده به دلیل مخالفت با قرآن و عقل بی‌اعتبار است باید آنها را تأویل کرد و گرنه حجیت قرآن از اعتبار می‌افتد.

ویژگی هشتم: قرآن نیاز به تبیین دارد. قرآن در عین اینکه کتاب مبین و آشکار است، نیاز به تفسیر و تبیین دارد. «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»(۲۶) ما قرآن را بر تو نازل کردیم تا برای مردم بیان کنی آنچه را که بر ایشان نازل شده است.

علت نیاز به تبیین چیست؟

رمز این امر این است که قرآن مشتمل بر محکم و متشابه، عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین، ناسخ و منسوخ، الفاظ مشترک و حقیقت و مجاز است و طبعاً برای تبیین مقصود کلام خدا باید همه جهات را در نظر گرفت، آنگاه مقصود نهایی را ارائه کرد و توجه به همه جهات وظیفه اهل تفسیر است. در زمان پیامبر اکرم(ص) وقتی این آیه نازل شد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ يُهْتَدُونَ»؛

کسانی که ایمان آورده‌اند و آن را با ستم نیالوده‌اند، تنها امنیت برای آنهاست و آنها هدایت‌یافتگاند. یاران پیغمبر از آن حضرت پرسیدند:«اینا لم یظلم نفسه؟»، کدام یک از ما بر خود ستم نکرده است؟ یعنی با این حساب همه ما محروم از امنیت و هدایت خواهیم بود. حضرت در پاسخ آنها فرمود:«منظور از ظلم در این آیه شرک است.» چنانچه در سوره لقمان آمده است:

«يَا بُنَيَّ لَا تَشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»؛ پسرم! به خدا شرک نورز، زیرا شرک ستم بزرگی است. یعنی با توجه به آیه لقمان که شرک به ظلم تفسیر شده است، در آیه سوره انعام نیز منظور از ظلم همان شرک است، نه مطلق ستم. بهترین مفسر قرآن پیامبر اکرم و اهل بیت او هستند و بعد از آنها عالمان فرهیخته که ذوب در اسلام و قرآن‌شناس‌اند و روح و زبان قرآن را می‌فهمند.

مفسرین غیرمعصوم، باید در مقام تفسیر چه رویکردی داشته باشند؟

مفسر با دانستن ۲۵ رشته از علوم ادبی و اسلامی هر گاه با مسائلی از این قبیل در آیات قرآن برخورد کند، مقصود از قرآن را ارائه می‌کند. مثلاً وقتی در سوره حمد می‌خواند:«هَدَنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» صِرَاطُ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ»؛ خدایا! ما را به راه راست، راه کسانی که به آنها نعمت داده‌ای هدایت فرما. می‌خواهد «منعم علیهم» را بشناسد. به آیه ۶۹ سوره نساء توجه می‌کند که خداوند آنها را چنین معرفی می‌فرماید:«وَ مَن يُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلَئِكَ رَفِيقًا» و کسی که از خدا و پیامبر اطاعت می‌کند، همنشین کسانی خواهد بود که خدا نعمتش را بر آنان تمام کرده است؛ از پیامبران، صدیقان، شهدا و صالحان و آنها رفیقان خوبی هستند. این نوع تفسیر همان تفسیر قرآن به قرآن است که حضرت استاد علامه طباطبایی تفسیر المیزانش را بر این مبنا استوار کرده است.

برویم سراغ ویژگی نهم؟

ویژگی نهم: قرآن نزول دفعی و تدریجی دارد. قرآن کریم از یک سو یک جا در شب قدر به شکل دفعی نازل شد:«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» ما قرآن را در شب قدر نازل کرده‌ایم. از سوی دیگر در طول ۲۳ سال بر حسب نیازمندی‌هایی که پیش می‌آمد، به‌طور تدریجی و مناسب سوره‌ها و آیات مورد نیاز نازل می‌شد. «وَ قَرَأْنَا فَرَقْنَاهُ لَتُنْفَرَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مَكْثٍ وَ نَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا» ما قرآنی به تو نازل کردیم که به صورت آیات جدا از هم است، تا آن را به‌تدریج و با آرامش بر مردم بخوانی و به‌طور قطع ما این قرآن را نازل کردیم.

با تشکر از حضرت‌عالی که بار دیگر ما را به لطف خود میهمان فرمودید.

و تکنولوژی همراه آن نباشد آن فلسفه به هیچ دردی نمی خورد.

رئیس فرهنگستان علوم افزود: ما اگر توسعه و پیشرفت می خواهیم باید بدانیم که این کار با نبودن برنامه انجام نمی شود برنامه نیز بدون عمل عقلی درست نمی شود. ما ۲۰۰ سال است که با دنیای متجدد آشنا شده ایم در این ۲۰۰ سال فکر می کردیم فردا کارها به سامان می آید ولی این اتفاق نیفتاد و چیزی که این را به ما می گوید فلسفه است.

وی با بیان این که فلسفه یعنی درک امکان علم و عمل ابراز داشت: فلسفه یعنی درک این که چه می دانی و چه می توانی انجام دهی. کسی که نمی داند چه کارهایی کردنی و چه کارهایی نکردنی است تفاوت عقل و وهم را نمی داند و دچار شکست می شود. اگر او شکست را بپذیرد سلامت است اما اگر نپذیرد دچار کینه توزی می شود و با کینه توزی نمی توان عالم را اصلاح کرد زیرا جهان با مهر و محبت بنا شده و با مهر سامان پیدا می کند.

دکتر داوری اردکانی تصریح کرد: ما قدر ابتکار آقای خاتمی را ندانستیم که دیالوگ را مطرح کرد. دیالوگ هم البته فقط مربوط به سیاست نیست. ما مقصد و مقصود داریم و باید ببینیم که چگونه باید به این مقصد و مقصود رسید؟ جامعه بشری به عقل معاش نیاز دارد تا بتواند زندگی مردم را اداره کند. وقتی رونق و رفاه وجود دارد کسی فکر نمی کند اما وقتی توقف ایجاد می شود متفکران باید فکر کنند که این نقص از کجاست.

وی ابراز داشت: امشب مجلس عجیبی بود و بزرگان کشور از همه گروه ها و جناح ها در این جا حضور داشتند. مرحوم آل احمد می گفت تو مصداق بارز این شعر هستی که می گوید: چنان با نیک و بد سر کن تو عرفی / مسلمانان به زمزم شوید و هندو بسوزانند

رئیس فرهنگستان علوم افزود: من به جلال می گفتم شما اعتراض کنید اما من دانشجوی فلسفه هستم و می گویم شما نمی توانید تیپ بسازید و بگویید همه در آن تیپ بگنجد. به او می گفتند آسید جلال یک کلام، چون حرف، حرف خودش بود.

وی در ادامه گفت: من سیاست می نویسم اما به حضرت عباس سیاسی نیستیم. همیشه با سیاست سر و کار داشته ام اما این سر و کار داشتن، فکری بوده است. همچنین در این مراسم حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمد خاتمی رئیس جمهور پیشین ایران و از دوستان چندین ساله داوری اردکانی طی سخنانی گفت: اگر تفکر جوهر آدمیت است و اگر تفکر با پرسش آغاز می شود، استاد معظم دکتر داوری از جمله کسانی است که هم پرسش های زمانه را مطرح کرده و هم افقی به روی ذهن همه گشوده است، بر این اساس که چگونه بپرسیم و اگر حرمت انسان و حتی وجود او در سخن و کلام متجلی می شود حرمت نهادن به انسان حرمت نهادن به کلام است و استاد داوری کسی است که نحوه حرمت نهادن به کلمه و کلام را به ما آموخت و دست کم تکلم را از رواجی متمایز و زمینه تفکیک این دو را فراهم کرد و به ما آموزش داد.

حجت الاسلام والمسلمین خاتمی در ادامه افزود: استاد داوری این تذکر را به ما داد که مرز میان تفکر و سیاست زدگی را تشخیص دهیم و این همه بزرگی علم، دانش، فرهنگ، تفکر با همدیگر توأم بود.

وی با اشاره به اینکه دست با تواضع ستودنی است، گفت: این استاد از ابتدا متواضع بود و هر چه به عمر او افزوده شد این تواضع بیشتر شد، در نهایت این همه بزرگی وقتی شکوه می یابد که با نجابت استاد همراه شد، نجابتی که از پدر و مادر بزرگوارشان و به خصوص از مادرشان که فرشته ای بر زمین بود به ارث باقی ماند و اینک با دانش و تفکر و تعلیم، شکوه و عظمت فوق العاده ای یافته اند. امیدواریم عمرشان دراز باشد.

گزارشی از نکوداشت دکتر «رضا داوری اردکانی»

بزرگان فلسفه و فرهنگ ۸۰ سالگی «فیلسوف فرهنگ» را جشن گرفتند



یا اندیشه لیبرالیستی و ساختار شکنانه نبود، افزود: وی از فیلسوفانی است که با نگاه واقعی و عمیق توانست از حکیمان نامدار دوره معاصر شود و از علم و دین و هویت ایرانیان پاسداری کند. بنابراین داوری از روشنفکران دیندار است، او گوهر دین را در مدرنیته امروز قربانی نمی کند و اگر چه استعداد دارد در عرصه های سیاست علم توأمان فعال باشد اما سعی در استغنا و استقلال فکری دارد.

سفیر سابق ایران در سازمان ملل متحد یادآور شد: هویت فکر استاد داوری با خردورزی و خرافه زدایی همزاد است او هویت جمعی دینداران متفکر است. در آثار او درد و هرمان و امید موج می زند نه طوفان نوح و طغیان روح. او به معنوی خارج از دین اعتقاد ندارد بلکه دانش آموخته اساتید اخلاق است.

دکتر خرازی در پایان اظهار داشت: باید دست متفکران و فیلسوفانی چون داوری را بوسید که شجاعانه با چابکی قلم و قدرت ذهن و دبستگی به انبیاء و امامان تلاش کردند و در این روزگار منادی دینداری بودند، امروز جامعه و مردم سخت مستمند این تلاش سترگ معلمان اخلاقی اینچینی هستند.

* دکتر محقق داماد: داوری اردکانی استقلال فرهنگستان علوم را حفظ کرد

آیت الله مصطفی محقق داماد استاد فلسفه و عضو فرهنگستان علوم ایران در این مراسم گفت: از حکمت دکتر داوری، از فلسفه، شعر و شعر فقهی و ذوق او سخن گفته شد اما آنچه برایم از ایشان جالب است همان نکته ای است که آقای تابش به آن اشاره کرد. بنده، عالم، فیلسوف، فقیه، اصولی و ادیب بسیار دیده ام اما کسی که میان این دانش ها با اخلاق و ادب جمع کند به شدت کم دیده ام.

این مجتهد علوم حوزوی تصریح کرد: گزارش نمی گویم آنچه برای من از داوری اردکانی جالب بود قرین ساختن دانش، حکمت با اخلاق و ادب است. از این رو مطلبی را در حضور علما و دانشمندان، به صراحت مطرح می کنم و قضاوت را به وجدان پاک سروان عزیز می سپارم.

آیت الله دکتر محقق داماد با بیان اینکه داوری اردکانی دومین رئیس فرهنگستان علوم ایران است، عنوان کرد: بنده پس از چند سال که از تأسیس فرهنگستان علوم سپری شد به عنوان عضو آن انتخاب شدم؛ آنجا برای من محیط زیبایی جلوه کرد، عالمان زنده و فرهیخته، همه با هم دوست، محیط علمی، تحقیق گفت و گو بود که بسیار برایم جالب بود.

وی با اشاره به اینکه نخستین رئیس فرهنگستان علوم ایران علی شریعتمداری بود که سال ها پس از آن دکتر داوری اردکانی ریاست آن را برعهده گرفت، تصریح کرد: در دوره ریاست دکتر داوری فرهنگستان علوم با مشقت کوبنده آهنبین روبه رو شده اند که استقلال آن را تهدید کرد. من از همین جا از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی گله می کنم؛ از اعضای روحانی شورا گله ای نیست چرا که شاید آنها از وضعیت آکادمیک آگاهی کاملی نداشته باشند اما بقیه دانشگاهی هستند. رئیس فرهنگستان علوم ایران خطاب به مسئولان شورای عالی انقلاب فرهنگی تصریح کرد: هویت و ماهیت حقوقی فرهنگستان علوم به استقلال آن است اما

نکوداشت ۸۰ سالگی «رضا داوری اردکانی» رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی با عنوان «پرسشگر دردمند روزگار ما» با حضور جمعی از نخبگان علمی، فلسفی و فرهنگی کشور در فرهنگسرای ابن سینا برگزار شد.

در این مراسم چهره هایی همچون افتخار حسین عارف رئیس مؤسسه فرهنگی اکو، غلامعلی حداد عادل رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، علی اکبر ولایتی عضو فرهنگستان علوم پزشکی، محمد رجیب رئیس کتابخانه مجلس، حجت الاسلام

عبدالحسین خسروپناه رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه و اساتید فلسفه از جمله آیت الله سیدمصطفی محقق داماد، غلامحسین ابراهیمی دینانی، غلامرضا اعوانی، بهاء الدین خرمشاهی و دیگر چهره های علمی فرهنگی نظیر احمد مسجدجامعی، صادق خرازی، حجت الاسلام سیدمحمد خاتمی، محمدرضا تابش و محمدرضا سعیدآبادی حضور داشتند و از شخصیت علمی و فلسفی استاد داوری اردکانی به عنوان یکی از تأثیرگذارترین فیلسوفان معاصر ایران تجلیل کردند.

در ابتدای این مراسم کتاب «هلیوپولیس» رونمایی شد. * دکتر خرازی: شهید مطهری همواره از سلامت فکر «داوری اردکانی» تعریف می کرد دکتر محمدصادق خرازی سفیر سابق ایران در سازمان ملل متحد و کشور فرانسه گفت: سابقه آشنایی من با استاد داوری باز می گردد به نخستین باری که او را در منزل پدرم دیدم. در منزل ما بزرگان بسیاری رفت و آمد می کردند، مرحوم شهید مطهری از صداقت، سلامت فکر و نیک سرشتی استاد داوری همیشه تعریف می کردند.

وی با بیان اینکه به منظور پاسداشت شخصیت دکتر داوری چند سطری را نگاشته است، افزود: سنت پاسداشت مفاخر علمی در روزگار ما قابل ستایش است. شناخت بهتر مشاهیر و معارف ملی و علمی وظیفه جدی همه کسانی است که در نظام اسلامی تلاش می کنند تا با جهان علم و معرفت آشنا شوند و در مسیر تحولات علمی و تکنولوژی قدم بزنند. در جای جای ایران فرهنگی چه گوهرهایی زاده شده اند و سرشت ملت ایران و ملت ها را رقم زدند.

دکتر خرازی در ادامه توضیح داد: پاسداشت شخصیتی مهربان و بافضیلت است که آفاق اندیشه و حکمت و دانش او وای جدول بندی سیاسی و جغرافیایی است. حکیم و متفکر و فیلسوف نامدار، دکتر داوری مردی است که نسبت به دین و فرهنگ، استقلال و آزادی و آثار فکری و کلامی توانسته از گوهر دین و دیانت در دوره جمهوری اسلامی ایران مشتاقانه حمایت کند.

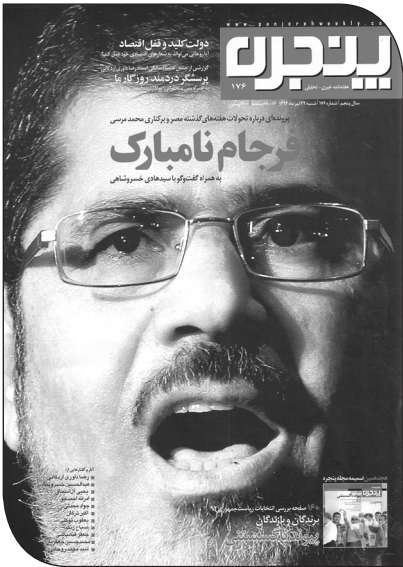
سفیر سابق ایران در فرانسه با تأکید بر اینکه کارنامه علمی، قلمی و گام های بلند دکتر داوری در پی یک جوش و خروش و مسئولیت عظیم است، توضیح داد: یک پرسش بزرگ پیش روی ما قرار دارد، فیلسوف کیست و مسئولیت جهانی او چیست. کسی که طراح یک مکتب فلسفی و صاحب نظر فلسفی است، فیلسوف است؛ نظیر شهید مرتضی مطهری، علامه طباطبایی، آیت الله جوادی آملی، آقا جلال آشتیانی، علامه شهرانی، مدرس زنوزی و حاج علی سبزواری که دکتر دینانی در کتاب خود به خوبی به برخی از آنها اشاره کرده اند.

دکتر خرازی در ادامه یادآور شد: حاملان فلسفه آن روز و متفکران امروز با هم تلاش کردند که از تاریخ علم حمایت و پشتیبانی کنند. حکمت و اندیشه این بزرگان و فیلسوفانی چون داوری اردکانی در دوره معاصر و در راه تحقق حکمت متعالیه اسلام مردانه بوده و قابل ستایش است. این حکیمان در سیر اندیشه خود با شناخت دقیق از مکاتب و نگرش عمیق به تحول اندیشه مرعوب نشده اند بلکه آن را خوب فرا گرفته اند و با آگاهی تاریخ نهضت ترجمه آمیختند.

وی با اشاره به اینکه دکتر داوری و امدا فلسفه الحادی

احسان پناهی

حجت الاسلام والمسلمین سید هادی خسروشاهی به عنوان شخصیتی صاحب نظر در زمینه جنبش‌های اسلامی معاصر و به خصوص اخوان المسلمین چهره‌ای آشنا برای افکار عمومی است. ایشان علاوه بر آن که چندین سال به عنوان ریاست سفارت، مسئولیت بخش دیپلماسی ایران را در مصر به عهده داشتند که صبغه سفیری را داشت، دارای روابط دوستی دیرینه‌ای با بسیاری از رهبران اخوان المسلمین بوده و کتاب‌های زیادی درباره جنبش‌های اسلامی معاصر، از جمله اخوان المسلمین و کشور مصر تألیف کرده آقای خسروشاهی تسلط کامل بر زبان عربی دارند و پس از سرنگونی مبارک، تحولات مصر را زیر نظر گرفته‌اند.



در اولین پرونده مفصلی که هفته نامه پنجره در سال گذشته پس از پیروزی اخوان المسلمین در ریاست جمهوری منتشر کرد، حاج آقا خسروشاهی مصاحبه‌ای اختصاصی با پنجره داشتند و تیتیر مصاحبه این بود «دوستان برای رابطه با مصر هروله نکنند» و ضمن گفت و گو ایشان بر اهمیت دقت در روابط با مصر تأکید داشتند. اکنون پس از یک سال از آغاز حاکمیت اخوان پر مصر و برکناری جنجالی محمد مرسی از قدرت، مجدداً با ایشان گفت و گویی انجام داده‌ایم که از نظراتان می گذرد.

چرا حاکمیت اخوانی در مصر، علی‌رغم کسب قدرت از طریق انتخابات، نتوانست بیش از یک سال تداوم یابد؟

آقای محمد مرسی، نماینده حکومت اخوانی مصر که در سال گذشته با برتری غیر قابل توجهی، نسبت به رقیب خود، یعنی ژنرال احمد شفیق آخرین نخست وزیر حسنی مبارک به پیروزی رسید، در عمل نشان داد که شایستگی اداره امور کشور را نداشته است. از لحاظ مسائل داخلی آقای مرسی نتوانست مشکلات موجود در جامعه مصر، به‌ویژه از لحاظ معیشت و گرانی و بیکاری و ... را برطرف نماید. و یا وعده‌های اصلاح امور را تحقق بخشد و در مقابل با تصرفات غیرقانونی، یعنی خارج از چهارچوب وظایف قانونی رئیس جمهوری، خواست اختیارات خود را افزایش دهد و در مواردی، مانند بعضی‌ها، در بلاد دیگر(!) قانون را اصلاً قبول نداشت. مثلاً دادستان کل را با حکمی از کار برکنار نمود و پس از مخالفت قضات، حکم خود را پس گرفت و اقدامات مشابه دیگری انجام داد که نهادهای قانونی و رسمی مورد قبول همگان را ناراضی و از خود دور ساخت. احزاب و جریان‌های سیاسی دیگر را که تعداد آنها بالغ بر ۳۰ حزب و سازمان بود، از گردونه و به نوعی، آن‌ها را طرد کرد و درواقع جز اخوان المسلمین و حزب النور سلفی که متأسفانه مرسی با آنها ائتلاف کرده بود، بقیه احزاب و سازمان‌ها، سهمی در اداره امور کشور نداشتند و آزادی‌های بعضی از آنها نیز سلب شد و این امر، باضافه برآورده نشدن خواست

اخوان المسلمین صدمه دیده اما سقوط نکرده است

گفت و گوی هفته نامه پنجره با استاد خسروشاهی

تروریست های سوریه توسعه و شدت یافت و اکنون با سقوط عامل این جریان در مصر، البته کاهشی در اقدامات سلفی‌ها خواهیم داشت، ولی این پدیده، ریشه کن نخواهد شد، چون پدیده ایست که سابقه تاریخی دارد و آل عبدالوهاب، پیشگامان توسعه اجرای این توطئه بوده‌اند و هستند

چرا یوسف قرضاوی همچنان از محمد مرسی حمایت می‌کند؟

آقای دکتر یوسف القرضاوی که یک عالم مصری است و سابقه اخوانی ۶۰ ساله دارد، بطور طبیعی از حرکت اخوان و متأسفانه حتی سلفی‌ها پشتیبانی می‌کند و حتی حکم و فتوای قتل همه کسانی را که به رژیم سوریه کمک می‌کنند، صادر می‌کند و حزب الله لبنان را هم که تا دیروز هوادار سرسخت آن بود، «حزب الشیطان» می‌نامد. ولی..

ولی در حوادث اخیر، و قبل از بازداشت آقای مرسی، علیرغم سخنرانی یک ساعته در قاهره در دفاع از محمد مرسی که برای آرام کردن مردم و ترک میدان التحریر صورت گرفت و من بطور کامل آن را گوش کردم، دیدیم که حتی در مصر، مخالفین برای حرف‌های او به اصطلاح «تره هم خرد نکردند!» ولی بهرحال آقای قرضاوی، محمد مرسی را روی میانی فکری خود «ولی الامر» و «واجب الاطاعه می‌داند.

من با توجه به سابقه دوستی نیم قرنی با اخوان و جناب شیخ القرضاوی، بنظرم می‌رسد که شیخ در ۸۰ سالگی، یعنی به علت کبرسن و عدم تعادل جسمانی، از لحاظ عصبی هم تعادلی ندارد و اگر داشت، در سخنرانی خود در مؤتمر «علماء الامه فی قضیه سوریا» که در ماه قبل در قاهره برگزار شد، ایرانیان را «المشركون بالله» نمی‌نامید! «لیسوا فی الاسلام من شیء؟» گفتن این سخن از کسی که فتوای همکاری با تشیع و ضرورت تقرب بین مذاهب را چندی قبل صادر کرده بود، نشان دهنده عدم تعادل روحی است. البته ما از خلودن متعال برای شیخ و دوست سابق، شفای عاجل و حسن عاقبت خواستاریم!

به نظر شما سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برابر تحولات مصر چگونه باید باشد؟ ما برای حرکت در جهت اسلام و هم در جهت منافع ملی باید از چه جریان‌هایی حمایت کنیم؟

متأسفانه دیپلماسی سیاست خارجی ایران در مورد مصر هیچ وقت متوازن و همگام با شرایط و حوادث روز نبوده است. در دوره آقای حسنی مبارک سعی بلیغ! بعمل آمد که روابط سیاسی برقرار شود.. حتی بعضی‌ها می‌خواستند آقای مبارک را به ایران دعوت کنند. و بعضی از مسئولین بلندپایه ایران هم پشت سر همه به مصر سفر کرده و به دیدار آقای مبارک! رفتند، غافل از آنکه، آقای مبارک در شرف سقوط است. آقای احمدی‌نژاد در کنفرانس کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، خواستار آن شد که سفارت ایران را «شبهانه» در قاهره باز کند، در حالیکه سفارت ما «روزانه» هم باز بود(!) و فقط شخصی به نام «سفیر» نداشتیم و البته از آن طرف، پاسخ منفی بود. تکرار این درخواست با زبان‌های مختلف، همواره با جواب منفی روبه رو شده است که اگر هم بگوئیم از روی حسن نیت بوده، بی‌تردید روش سیاسی مطلوبی نبوده بلکه موجب «تحقیر ملی» - در عرف دیپلماسی بین المللی، شده و متأسفانه پس از این مراحل، ناگهان آقای احمدی نژاد در دیدار با چند نفر از مصری‌ها که برای بیداری اسلامی به تهران آمده بودند، آرزو کرد که برود و در مصر «کارگری» کند! که البته اگر ایشان به عنوان یک شخص حقیقی می‌رفت به مصر و کارگری می‌کرد، اشکالی نداشت، اما به عنوان یک شخصیت حقوقی، حق بیان این نوع جملات را نداشت که موجب تحقیر ملت مسلمان ایران در سطح بین المللی شود و صد البته اگر پس از پایان عنوان دوران کنونی، باز حق انتخاب با ایشان خواهد بود

ادامه در صفحه بعد

سیاسی مصر در مجموع به زیان جریان اسلام گرایی در جهان اسلام خواهد بود؟

اخوان المسلمین بی‌تردید از صحنه سیاسی مصر خارج نخواهد شد و دعوت آقای عدلی منصور، به عنوان رئیس جمهوری منصوب ارتش برای شرکت اخوان در دولت و انتخابات آینده، نشان می‌دهد که خود ژنرال‌ها و رئیس جمهوری منصوب آنها هم می‌دانند که اخوان در صحنه خواهند ماند. بنابراین نمی‌توان گفت که شکست موسمی در یک امر و در یک کشور، به زیان جریان اسلام گرایی در جهان اسلام ختم شود، بویژه که گرایش مسلمانان به اسلام گرایی، ربطی به شکست یا پیروزی یک جریان ندارد. و اینکه آقای بشار اسد، شکست اخوان مصر را نشان دهنده عدم صلاحیت اسلام سیاسی در اداره امور نامید، سخن بی اساس و غیر منطقی بود؛ زیرا نمونه اسلام سیاسی در ایران، نشان می‌دهد که اسلام گرایان می‌توانند بطور کامل امور کشور را اداره کنند و اگر چنین نبود، حکومت فعلی سوریه نباید نیازی به ایران اسلامی و حزب الله داشته باشد! در این زمینه می‌توان بیشتر توضیح داد ولی به نظر می‌رسد که «الماقل یکفیه الاشارة»؛ البته اگر عاقلی در صحنه باشد!

آیا می‌توان رشد رویکردهای سلفی گری طی دو سال گذشته در منطقه و افزایش تقابل شیعه و سنی را با روی کار آمدن اخوان المسلمین در مصر مرتبط دانست؟

رشد سلفی گری در دو سال اخیر، در منطقه، ربطی به مسئله پیروزی اخوان المسلمین در مصر نداشت. اگرچه این امر، زمینه رشد سلفی گری در مصر را توسعه داد، ولی عامل اصلی در این زمینه طرح و برنامه امپریالیسم و صهیونیسم در ایجاد حس نفرت و انزجار میان مسلمانان و نشر اندیشه سلفی گری تکفیری در بین نسل جوان ناآگاه جهان اسلام و عرب است. در کنفرانس هرترزلیا، در اسرائیل که با حضور استراتژیست های امریکایی و اروپایی و یهودی در اسفند ماه سال ۹۱ برگزار شد، به تصویب رسید که برای به آشوب کشیدن جهان اسلام، اقدام کنند و در این راستا به اختلاف شیعه و سنی دامن بزنند و سلفی گری را تقویت کنند و این را یک «ضرورت برای حفظ امنیت اسرائیل» نامیدند. دلارهای آل سعود و امیر قطر، و دیگر سردمداران ارتجاع عرب، در تجهیز تکفیری‌ها، نقش اساسی و عمده در رشد سلفی‌گری داشته و دارد. و البته فتوای تکفیری عناصر متحجر و مفتیان پترو دلار سعودی و خلیج فارس و شیخ فتنه در قطر و قاهره، در توسعه رشد سلفی گری تکفیری، بعد دیگری از این طرح و توطئه را به‌عهده دارد.

آینده اخوان در کشورهای اسلامی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

از هم‌اکنون سرکوب حرکت‌های اسلامی، بویژه اخوان المسلمین در بعضی از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، امارات، بحرین، قطر آغاز شده و آل سعود هم با تقیح اقدامات اخوان المسلمین و تبریک گویی بر پیروزی کودتای ژنرال‌ها، گامی در این زمینه برداشته‌اند. ولی در دراز مدت اخوان المسلمین، با توجه به همان مبانی عقیدتی که دارند، آینده تاریکی نخواهند داشت و بلکه با توجه به افزایش نفرت نسبت به امپریالیسم و ارتجاع عرب و حکام جور و ظلم و تباهی در میان جوانان، آینده اخوان المسلمین و بطور کلی اسلام گرایان روشن‌تر خواهد شد.

آیا برکناری مرسی از قدرت موجب کاهش فعالیت‌های سلفی گری در خاورمیانه به خصوص سوریه خواهد شد؟

با برکناری مرسی اگر ادامه یابد، بی‌تردید فعالیت‌های سلفی‌گری در خاورمیانه، به ویژه مصر و سوریه و سپس تونس، کاهش خواهد یافت. چون متأسفانه آقای مرسی برای کسب آرای سلفی‌ها در مصر، به آنها میدان فعالیت بیشتری داد و دلارهای آل سعود هم آنان را تقویت کرد و در نتیجه کمک همه جانبه به سلفی‌های منطقه بویژه

فقراء و گرسنگان و کلیسای مسیحیان قبطی که بالغ ۱۰ میلیون نفر عضو دارد، موجب نارضایتی عمومی گردید و با «جرقه‌ای» ناگهان آقای مرسی خود را بدون پشتوانه یافت و علیرغم تهدیدها و تشدیدها، نتوانست زمام امور را در دست نگه دارد.

اصولاً آقای محمد مرسی که باصطلاح فرمانده کل قوا بود، با علم یقین(!) و یا احتمال برخورد ارتش، ژنرال عبدالفتاح سیسی را هم نتوانست علیرغم دستور آقای محمد بدیع، مرشد اخوان، از کار برکنار کند.. و اصولاً با توجه به اینکه ارکان اصلی نظام کنونی باقیمانده‌های نظام حسنی مبارک هستند، بویژه ارتشیان و ژنرال‌ها.. و هواداران حسنی مبارک، آقای مرسی دیگر نمی‌توانست دوام بیاورد و در آخرین سخنرانی خود، با توسل به تهدید و تخویف و فقط با تکیه بر «مشروعیت» و «قانونی بودن» انتخاب خود به ریاست جمهوری، خواست اوضاع را آرام کند که البته دیدیم ثمری نداشت.

علاوه بر امور داخلی، رژیم آقای محمد مرسی، در سیاست خارجی و ارتباط با دولت‌ها هم روش فشلی داشت؛ عکس العمل حکومت‌های دوست! پس از سقوط آقای مرسی نشان داد که نظام آقای مرسی حتی مورد قبول عربستان سعودی هم نبوده و به همین دلیل نخستین پیام تبریک پیروزی کودتا را شاه سعودی به ژنرال‌های مصری مخابره کرد!

به نظر شما اعتراضات گسترده اخیر در مصر، در نتیجه ضعف مدیریت محمد مرسی بود؟

بی‌تردید ضعف مدیریت آقای مرسی، نقش اصلی را در پیدایش اعتراضات عمومی در مصر داشت که کثرت و شدت آن را می‌توانستیم در تظاهرات میلیونی مردم در خیابان‌های قاهره و میدان التحرير ببینیم.

البته باقیمانده‌های رژیم حسنی مبارک و عناصر سکولار و لائیک و دیگر مخالفان، در تحریک مردم نقش عمده‌ای را به‌عهده داشتند، اما اگر مردم در درون خود رضایتی احساس می‌کردند، با تحریک عناصر مشکوک، به میدان نمی‌آمدند.

آیا سقوط اخوان المسلمین در مصر منجر به کاهش نفوذ مذهبی و سیاسی آنها در جهان عرب خواهد شد؟

اخوان المسلمین در کلیت خود، در مصر سقوط نکرده است و با توجه به سابقه تشکیلاتی ۸۰ساله و گذراندن بحران‌های دوران شاه فاروق و سرهنگ جمال عبدالناصر و سپس سرهنگ انور سادات و ژنرال حسنی مبارک، نمی‌توان به سقوط آن نظر داد. البته حزب سیاسی اخوان، حزب الحریه والعداله، در عمل سقوط کرد، چون به ظاهر اداره امور به عهده حزب بود، نه مکتب الارشاد اخوان المسلمین، ولی خود سازمان، با اینکه به ظاهر صدمه دیده، ولی سقوط کامل نخواهد کرد و به نظر می‌رسد که هواداران خود را نه در مصر و نه در کشورهای دیگر از دست نخواهد داد. یعنی نفوذ مذهبی و سیاسی اخوان، یک نوع نفوذ عقیدتی است و با شکست سیاسی مرحله‌ای به پایان نمی‌رسد.

چرا برخی کشورهای عربی از جمله عراق و سوریه از برکناری مرسی ابراز خشنودی کردند؟

ابراز خشنودی کشورهایی چون عراق یا سوریه امری طبیعی است. برای اینکه آقای مرسی در سخنرانی‌های خود، به صراحت خواستار سرنگونی رژیم‌های باصطلاح «رافضی!» در سوریه و عراق شده بود. و به مخالفین مسلح آن دو کشور، بطور مستقیم یا غیر مستقیم، کمک نظامی و تبلیغاتی می‌کرد و حتی مجوز تعلیم نظامی مصری‌ها برای جهاد در سوریه را هم صادر کرده بود! یا بجای قطع رابطه با صهیونیست‌ها، با سوریه قطع رابطه کرد، و سفارت این کشور را در قاهره بست. و البته می‌دانیم که اصولاً قطع رابطه با یک کشور دیگر، جزء وظایف و اختیارات ریاست جمهوری نیست، بلکه شورای امنیت ملی کشور باید ضرورت موضوع را بررسی و اعلام نظر کند و بعد دولت آن را ابلاغ و اجرا کند.

آیا خروج اخوان المسلمین از صحنه

مصر و بازگشت به تجربه ناصری

گفت و گوی مثلث با استاد خسروشاهی

تمایلی نداشت، او را برای معالجه! به آمریکا فراخواندند و پس از مدتی کوتاه، جنازه او را به قاهره بازگرداندند که گویا به علت افسردگی! دچار مرض لاعلاجی شده بوده که منجر به مرگ وی گردید! بدینترتیب باید پذیرفت که عناصر رژیم قبلی همچنان حاکم اصلی بودند و تغییرات ظاهری و انتخابات دموکراتیک! ماهیت مسئله را تغییر نداد.

از همه مهمتر، اباقی ژنرال‌های حسنی مبارک در مصادر امور، بویژه ارتش بود که متأسفانه دولت جدید - اخوان و آقای المرسى - به آن توجه نکردند و ژنرال‌ها، این بار همان طرحی را اجرا کردند که پس از کودتای افسران آزاد در ۱۹۵۲ - به رهبری ژنرال محمد نجیب و سرهنگ جمال عبدالناصر - به اجرا در آمد. یعنی نخست از موقعیت و امکانات اخوان استفاده کردند و سپس نخستین ضربه را به آنان وارد ساختند و مانند امروز، رهبران اخوان دستگیر، اموال آنها - حتی مراکز فرهنگی، بهداشتی و خیریه و... - را مصادره کردند و سرانجام هم با اعدام گروهی از اعضای مکتب ارشاد، مساله را خاتمه یافته تلقی کردند.

این فشار و سرکوب در دوره پس از عبدالناصر، و تا روز آخر حکومت حسنی مبارک بطور رسمی و علنی ادامه داشت و پس از سقوط مبارک هم همانطور که گفتیم تحول اساسی در نظام حکومتی به عمل نیامد و غفلت آقای المرسى از قوای ارتش، او را دچار همان سرنوشتی کرد که رهبری اخوان در دوران سرهنگ عبدالناصر دچار آن شده بود.

البته این نوع غفلت، خاص اخوان مصر نیست. به خاطر دارم که وقتی آقای حسن الترابی، رهبر حزب اسلام گرای سودان به ایران آمد، در دیداری به وی گفتیم که مواظب ارتش و جناب ژنرال عمر البشیر باشد و او پاسخ داد که: «نه جای نگرانی نیست! «البشیر هو من ابنا» - انا ایتیه! بشیر از فرزندان ماست. من او را تربیت کرده‌ام» و دیدیم که طولی نکشید که همین فرزند، شیخ حسن الترابی مرشد خود را بازداشت و زندانی کرد و به محاکمه کشانید و سالیانی چند در زندان نگه داشت.

بهرحال: در مورد مصر، مخالفان آقای المرسى و درواقع اخوان المسلمین، از هر طیف و گروهی بودند؛ قبطی ها، سکولارها، لیبرال‌ها، ملی‌گراها، احزاب و سازمان‌های سیاسی قدیم و جدید (بالغ بر ۳۰ سازمان)، هواداران مبارک، و بخش عمده‌ای از جوانان و کسانی که در قیام دو سال قبل نقش داشتند ولی پس از پیروزی «سهمی» دریافت نکردند.

بی‌تجربگی آقای المرسى - اخوان - در اداره امور کشور باعث شد که دوستان بجای «جذب» افراد و احزاب، به «حذف» همه پرداخته و یک نوع انحصارگرایی ویژه بوجود آوردند و فقط برای استفاده از آرای سلفی‌ها با آنها ائتلاف کردند و به آنها میدان عمل کامل دادند که در ایجاد نفرت عمومی و خشم بقیه

مینا علی اسلام

روزهای پراشتاب مصر، تشدید اختلافات میان هواداران و مخالفان محمد المرسى قبل و بعد از برکناری او و قدرت نمایی‌های خیابانی هر دو طرف، تحولات مصر را در مرکز توجه قرار داده است. مجله مثلث در گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین سید هادی خسروشاهی، سفیر پیشین ایران در واتیکان و رئیس سابق دفتر نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در قاهره به بررسی تحولات این روزهای مصر پرداخته.



مخالفان المرسى از چه طیف و گروه‌هایی بودند؛ هواداران مبارک یا همان‌هایی که در انقلاب دو سال قبل در میدان تحریر جمع بودند؟

البته توجه داریم که قیام جوانان مصری و سپس شرکت توده‌های مردمی در آن، خواه نام آن را بیداری اسلامی بنامیم یا بهار عربی، یا فریاد گرسنگان میلیونی و... در واقع یک انقلاب اجتماعی به مفهوم واقعی کلمه نبود. در یک انقلاب واقعی، باید همه ارکان نظام قبلی را کنار گذاشت و با سازماندهی جدید، به اداره کشور پرداخت و نسل جدیدی را به روی کار آورد که همگام با «انقلاب» باشند.

در قیام مردم مصر، پس از پیروزی شکننده، فقط به حذف ظاهری چند نفر محدود از اعضای حاکمیت پرداخته شد و بدنه اصلی آن دست نخورده باقی ماند.

در همان انتخابات نخستین ریاست جمهوری هم دیدیم که ژنرال احمد شفیق، آخرین نخست وزیر آقای حسنی مبارک، با ۴۹ درصد آراء، رقیب آقای المرسى بود و البته قبل از او هم حتی عمرو سلیمان، وزیر امنیتی رژیم مبارک - که مسئول اصلی سرکوب و اختناق و فشار در دوران مبارک بود - خود را کاندیدا کرد و بنرها و پوستره‌های وی، سراسر قاهره را پوشاند، اما چون ارباب او

ادامه از صفحه قبل

حتی می‌توانند الگوی «سازندگی طلایی» را در مصر هم پیاده کنند تا مردم مصر هم بفهمند که چگونه می‌توان «انقلاب انسان کامل (!) را صادر» کرد!!!

در دوران پس از مبارک متأسفانه علیرغم تذکار مکرر ما در مطبوعات و محافل مربوطه، باز شتاب برای برقراری روابط ادامه یافت و به هنگام سفر چهار ساعته آقای محمد مرسى به اوج خود رسید؛ و دوستان مربوطه، ناگهان متوجه شدند که گویا که اینجانب نیم قرن است که با رهبری اخوان المسلمین مصر روابط اخوتی غیر سازمانی داشته‌ام و اصرار نمودند که به دیدار آقای مرسى بروم که البته بنده نپذیرفتم بویژه که سخنرانی وی در یک کنفرانس بین المللی در سطح مطلوب نبود و نشان از نپیختگی سیاسی وی داشت. ... ولی تلاش بی وقفه دوستان ناآشنا به مسائل بین المللی و یا حداقل مصر برای تحکیم روابط ادامه یافت و باز برخلاف توصیه اکید ما در جرائد و محافل مربوطه، در ضرورت عدم اعزام «توریست» به مصر، دوستان برای بازدید از مجسمه‌های فرعون! مجوز سفر گردشگر ایرانی را دریافت کردند و متأسفانه بعضی از این گردشگران

جناح‌ها و طیف‌ها نقش خاص خود را داشت. البته حزب سلفی‌ها پس از پیروزی به دو بخش عمده النور و الوطن تقسیم شدند که حزب النور نخست در کنار کودتاچیان قرار گرفت و حزب الوطن گویا اعلان جنگ داد.

طریقه برکناری المرسى که در نوع خود بی بدیل و بی سابقه بود چه تعریفی می‌توان برای این نوع برکناری داشت؟

برکناری آقای المرسى بی‌بدیل و بی‌سابقه نیست. کودتای نظامی در هر کشوری، شرایط خاص خود را دارد و با توجه به وضع موجود وارد عمل می‌شود. وقتی آقای المرسى، به عنوان فرمانده کل قوا، نتواند دستور آقای محمد بدیع، مرشد عام اخوان المسلمین را در ضرورت برکناری ژنرال عبدالفتاح اجرایی کند، آقای ژنرال می‌تواند وارد میدان شود و آقای المرسى را برکنار و زندانی سازد و اعضاء مکتب ارشاد را بازداشت و ساختمان اصلی اخوان و حزب الحریه و العدالة را آتش بزند و اموال رهبران اخوان را هم مصادره کند.

بنابراین همه وجوه یک کودتای کامل در این اقدام ارتش وجود دارد و فقط نام آن را «کودتای دموکراتیک!» گذاشته‌اند که با حضور و مجوز جناب شیخ الازهر - رهبر مسیحیان قبطی، رهبر حزب سلفی النور و عده ای دیگر از اعضاء و رهبران نهادهای اپوزیسیون انجام گرفته است.

درواقع باید این اقدام ژنرال‌های باقیمانده از دوران حسنی مبارک را «کودتای مدرن!» نامید که با همکاری و کمک همه جانبه آمریکا و آل سعود انجام گرفته و آغاز حرکت دموکراتیک را پس از شصت سال حکومت سرکوب‌گر سرهنگ‌ها می‌خواهد در نطفه خفه نماید.

دو قطبی‌های دموکراسی و اقتدار، لائیک و ارتشی، اسلام گراها و لائیک‌ها، امنیت و فرآیندهای ضد امنیتی در مصر چه نقشی در تشدید بحران جاری در مصر دارند؟

جامعه مصری نیز مانند اغلب جوامع و کشورها، دارای قطب‌های گوناگون و گاهی متضاد است. بعنوان نمونه، طبقه مسیحی - قبطی‌ها - همواره در اغلب زمینه‌ها با اسلام‌یون، در چالش بوده است. اسلام گراها با سکولارها و ملی‌گراها و ارتش، همواره در تضاد بوده‌اند که اغلب جنبه ضد امنیتی هم به خود گرفته و گاهی با برخورد سرکوبگرانه روبرو شده است... نمونه بارز آن، همانطور که اشاره کردم سرکوب خشن و بیرحمانه حرکت اخوان المسلمین، توسط سرهنگ‌های کودتا برضد رژیم سلطنتی - بقول خودشان: افسران آزاد! - بود که در سال ۱۹۵۲ م رخ داد و با اعدام رهبری اخوان و زندانی و تبعید شدن هزاران نفر از کادرهای سازمان، به ظاهر پایان یافت اما «حرکت» سازمان یافته اخوان، در مصر و بلاد دیگر از «حرکت» باز نماند و البته اگر توطئه‌ها و تحریکات دشمنان وحدت ملی در مصر نباشد، مردم مصر، با همه طوائف و اقوام و مذهبی که دارند، می‌توانند در یک چهارچوب عقلانی، زندگی

آنچنان در عدم مراعات شئون و ظواهر اسلامی، پیشتاز شدند که حتی داد سکولارهای مصری هم درآمد، ولی کو گوش شنوا؟ بهرحال در شرایط کنونی، با توجه به اینکه دخالت نظامیان و ارتش در برکناری آقای محمد مرسى یک کودتای آشکار، با پشتیبانی مادی و معنوی آمریکا و آل سعود بوده که باید به شدت تقبیح شود و علیرغم جفای اخوان و آقای محمد مرسى، در حق ایران و شیعیان، باید روابط حسنه با اخوان استمرار یابد و با دولت غیر قانونی کودتای ژنرال‌های آقای حسنی مبارک هم نباید روابط صمیمانه‌ای برقرار کرد که بی شک آنها هم پاسخ مثبتی نخواهند داد. و لابد بخاطر داریم که همین آقای البرادعی، همان کسی است که سالیانی دراز در پرونده هسته‌ای ایران «اخلال» کرد تا جایزه نوبل نصیب وی شد و پس از سالیانی متمادی، ناگهان به مصر بازگشت تا رهبر انقلاب جوانان محسوب شود... بطور خلاصه: اصل عزت، حکمت، مصلحت، باید کاملاً مراعات شود چون به نظر من شتاب زدگی در قبول کامل شرایط فعلی، باعث دوری جریان‌هایی کمی‌توانند در سیاست کلی مصر نقشی داشته باشند، خواهد شد.

منبع: مجله پنجره / شماره ۱۷۶ / ۲۲ تیر ۹۲

سیاسی - اجتماعی - فرهنگی

شماره ۷

شماره مسلسل ۱۴۵۴

نیمه دوم تیر ۱۳۹۲

جهان اسلام

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

مشترک مسالمت آمیزی داشته باشند و منافع زودگذر و خصوصی افراد و قطب‌ها، آنها را رو در روی هم قرار ندهد.

طبقه‌های اجتماعی مصر در جریان تحولات اخیر چه نقشی داشتند؟

عناصری از همه طبقه‌های اجتماعی مصر در مسئله قیام دو سال قبل و سرنگون سازی رژیم شصت ساله سرهنگ‌ها دخالت مستقیم داشتند و در تحولات و حوادث اخیر نیز باز نقشی به عهده دارند که ارزیابی دقیق آن به بررسی میدانی، و نه از راه دور، نیاز دارد.

سرنوشت المرسى چه می‌شود؟ بعد از او مصر به چه سمت و سویی می‌رود و اسلام گراها و اخوانی‌ها چه سرنوشتی خواهند داشت؟

پیش بینی آینده آقای محمد المرسى و موضع گیری بعدی اخوان المسلمین و دیگر اسلام گرایان مصری، پس از قتل عام مردم نمازگذار و بی‌دفاع توسط نیروهای ارتش، کار آسانی نیست و مشکل بنظر می‌رسد ولی آنچه قطعی است اینکه با زور و قلدری و رگبار مسلسل و قتل عام مردم بی گناه اگر پاسخ می‌داد، الان آقای حسنی مبارک و صدام حسین و معمر قذافی و بن علی، در مصر و عراق و لیبی و تونس، بر سر کار بودند...

حماقت فرماندهی ارتش مصر در کشتار بی‌رحمانه مردم، در واقع تقابل با کل جامعه است. حتی مخالفان سیاسی اخوان - لیبرال‌ها، لائیک‌ها و ملی گرایان - هم این جنایت را تقبیح و محکوم کرده‌اند و با توجه به شرایط بوجود آمده، بحران در مصر ادامه خواهد یافت و تشکیل دولت موقت کودتا به مقصد و مقصود نخواهد رسید و می‌دانیم که حتی حزب النور سلفی که به توصیه آل سعود، در کمیته چند نفری کودتاچیان برای ارائه طریق جمع شده بودند، شرکت داشت، ضمن کناره‌گیری رسمی از کمیته مزبور اعلام کرد که با دولت جدید همکاری نخواهد کرد.

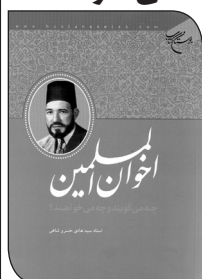
آقای محمد المرسى هم‌اکنون در بازداشتگاه ارتش نگهداری می‌شود و دهها نفر از رهبران اخوان و اعضاء مکتب ارشاد هم دستگیر شده‌اند ولی «بازجویی» از آنان که قرار بود همین هفته آغاز شود، به مدت نامعلومی به تأخیر افتاده است.

آقای محمد بدیع، مرشد اخوان هم در سخنرانی خود در میدان مسجد رابعة العدویه، رسماً اعلام کرد که مبارزه ادامه دارد و گفت: «ما تا برگرداندن محمد المرسى - رئیس جمهوری قانونی - همراه مردم در میدان‌ها باقی خواهیم ماند: «ثورة الملايين فی الميادين» - انقلاب میلیونی در میدان‌ها» آرزوی که تحقق آن بعید به نظر می‌رسد.

منبع: مجله مثلث / شماره ۱۸۰ / ۲۲ تیر ۹۲

معرفی کتاب

اخوان المسلمین چه می‌گویند و چه می‌خواهند



نویسنده: استاد سید هادی خسروشاهی
ناشر: موسسه بوستان کتاب
چاپ اول ۱۳۹۲ / بهاء: ۱۳۰۰ تومان
در این کتاب می‌خوانید:
* نگاهی به میراث فکری حسن البنا، موسس و نخستین مرشد اخوان المسلمین * قرآن قانون اساسی ما * دیدگاه‌های اخوان المسلمین درباره مسائل داخلی و خارجی مصر
* اشاره‌ای به تاریخچه جمعیت اخوان المسلمین
* اهداف و برنامه‌های اصلی اخوان المسلمین

* اخوان المسلمین در دوران جمهوری مصر * اخوان المسلمین و احزاب مصر
* رهبری اخوان المسلمین * گفتگوی تاریخی با حسین شافعی معاون اول جمال عبدالناصر
* زینب الغزالی و جمعیت اخوان المسلمات * اخوان المسلمین و مسئله فلسطین و مفتی
برای تهیه این کتاب می‌توانید به فروشگاه‌های موسسه بوستان کتاب در شهرهای قم، مشهد، تهران و اصفهان و همچنین کتابفروشی روزنامه اطلاعات واقع در تهران، خیابان انقلاب مراجعه نمایید.

سیاسی – اجتماعی – فرهنگی
۶ بهشت
شماره ۷
شماره مسلسل ۱۴۵۴
جهان اسلام
پست الکترونیک: besatonline@gmail.com

شبکه الجزیره در گزارشی با اشاره به وضعیت کشورهای مختلف در خاورمیانه از سیاست های فتنه گرایانه و جنگ افروزانه رژیم صهیونیستی و کشورهای غربی در این منطقه انتقاد کرد .

به گزارش باشگاه خبرنگاران به نقل از شبکه الجزیره ؛اخوان المسلمین تنها گروه منسجم و سازمان یافته ای بود که پس از سرنگونی دیکتاتوری «حسنی مبارک» با نمایندگی «محمد مرسی» در انتخابات ریاست جمهوری مصر شرکت کرد .
«احمد شفیق» تنها رقیب مرسی دررقابت های انتخاباتی این کشور بود که بعلتوابستگی به رژیم سابق نتوانست نظر مردم را جلب و در انتخابت پیروز شود .

مرسی بعنوان رهبری مستقل و اسلامگرا در سمت رییس جمهوری مصر قرار گرفت و ملت مصر انتظار ایجاد فضایی متفاوت و بهتر از زمان دیکتاتوری مبارک را داشتند . در حالی که پس از مدتی از دوره ریاست جمهوری مرسی رویه وی در کشورداری تغییر کرد . استفاده از اهرم فشار برای اعمال قوانین اسلامی در کشور بدون توجه به قوانین دموکراسی و خواست مردم بیش از سایر بی کفایتی های دولت مرسی مردم این کشور را به خشم آورد .

گزینه دیگری که مورد تنفر مصری ها از دولت مرسی شد این بود که وی علیرغم تبلیغاتی که پیش از پیروزی در انتخابات بیان می نمود روابط خود را با رژیم صهیونیستی نه تنها محدود یا قطع نکرد بلکه آن را تقویت نمود و دقیقا همان مسیری را پیش گرفت که قطر و عربستان انتخاب کرده اند .

این کشورها در قبال حمایت های مالی و نظامی که از اسرائیل دریافت می کنند در صحنه های جهانی از این رژیم جعلی طرفداری کرده و در راستای منافع و دستوراتی که از مقامات تل آویو دریافت می کردند سیاست های داخلی و خارجی خود را تبیین و اجرا می کنند .

مرسی بارها در سخن و عمل از اقدامات این کشورها حمایت کرده و اعلام کرده از طرحی که آمریکا ، اسرائیل و کشورهای اتحادیه اروپا در لیبی اجرا و قطع اجرای دوباره آن در سوریه را دارند حمایت می کنند . طرح این کشورها در لیبی که مداخله نظامی و تجاوز به خاک این کشور بود میلیونها دلار خسارت مالی و قتل عام هزاران شهروند لیبیایی را به بار آورد .

مرسی به تدریج و با تداوم اقدامات خصمانه خود علیه دولت «بشار اسد» و تعطیلی سفارت سوریه در قاهره روابط خود را با این کشور بطور کامل قطع و با قرار گرفتن در کنار رژیم صهیونیستی ، قطر و آمریکا جبهه ای در مقابل محور مقاومت « ایران _ لبنان _ سوریه « تشکیل داد .
شاید برخی از تحلیلگران و کارشناسان این اقدامات مرسی را برای راضی کردن ارتش مصر که از دوران دیکتاتوری مبارک قدرت اصلی در جامعه و اقتصاد مصر

را دردست داشت و دارد ، بدانند اما ارتش نیز تنها عملی را انجام داد که عموم مردم این کشور خواستار آن بودند . ارتش به خودی خود کودتا یا شورش را آغاز نکردند بلکه این نارضایتی وخشم مردم مصر بود که فرماندهان و افسران برجسته ارتش را وادار به تصمیم گیری جدی درباره اعتراضات مردمی کرد . ارتش به خواست مردم این کشور مرسی را از مسند ریاست جمهوری برکنار کرد . دولت آمریکا در نخستین واکنش های خود نسبت به ناآرامی های مصر ارتش این کشور را تهدید کرد که کمک سالانه نظامی خود را به قاهره قطع خواهد کرد . بدیهی است واشنگتن سرنگونی یکی دیگر از هم پیمانان خود را آن هم در کشوری مانند مصر را برنتابد . رژیم صهیونیستی نیز با به خطر افتادن روابطش با مصر و احتمال ایجاد تهدید در مرزهایش با مصر از طریق دوست دیرینه خود «آمریکا» تلاش می کند علاوه بر تداوم رابطه مسالمت آمیز با قاهره ، ادامه معاهده «کمپ دیوید» را تضمین شده بداند .

ناآرامی در مصر به سود آمریکا ، کشورهای غربی و رژیم اشغالگر قدس خواهد بود در صورتی که این ناآرامی ها بسویی پیش نرود که خواست مردم که همانا قطع ارتباط دولتشان با این کشورهاست ، محقق نشود .

سوریه :

بیش از دو سال از اقدامی که قطر و عربستان با حمایت کشورهای غربی علیه دولت «بشار اسد» و در راستای سرنگونی آن اجرا می کنند ، می گذرد . روسیه و چین بارها خواستار توقف این اقدامات شده و از مجامع بین المللی درخواست کرده اند که سناریویی که در لیبی عملیاتی کردند ، در سوریه اجرا نکنند .

وزرای امور خارجه روسیه و آمریکا دردیدارهایی به نتیجه مشترک مبنی بر تشکیل کنفرانسی برای حل سیاسی بحران سوریه رسیدند با این حال نیروهایی در غرب و همچنین از سوی برخی کشورهای عربی مانع اجرای چنین راهکاری می شوند .

تشدید ارسال سلاح و نیرو از کشورهای مختلف به سوریه از سوی این کشورها انجام می گیرد و بیش از پیش مانع حل مسالمات آمیز این بحران می شوند . از سوی دیگر دولت سوریه که از حمایت ایران و حزب الله بهره می گیرد ، با قدرت تمام ارتش خود در برابر خیل عظیمی از تروریست های وارداتی و چندملیتی مبارزه می کند . بسیاری از این تروریست ها افراد بی خانمان یا زندانیان جانی و خطرناکی هستند که از قطر و عربستان با وعده پول یا آزادی به سوریه اعزام می شوند . این در حالی است که غالبا در میدان جنگ بدست نیروهای ارتش سوریه کشته شده و هرگز وعده های پوچی که حکام سعودی و قطری به آنها داده اند را نمی بینند .

این شورشیان و تروریستهای اعزامی از هیچ اقدام وحشیانه ای علیه شهروندان و نیروهای امنیتی سوریه ایایی ندارند . بریدن گردن ، قطع اعضای بدن ، مثله کردن اجساد زنان و کودکان ، خوردن اعضای بدن ارتشیان سوریه و تصویربرداری و انتشار آنها در رسانه

آشوب و اشغال ؛ سیاست رژیم صهیونیستی و غرب در خاورمیانه

و اعتراضات آنها نمی شود . مقامات دولتی ترکیه و اردن در دیدارهای مداوم خود با مقامات آمریکایی و صهیونیست درباره موضوعات مختلف گفتگو و مذاکره می کنند اما رعایت حقوق بشر و توجه به خواست مردم _ از سوی کسانی که مدعی دموکراسی و حقوق بشر در دنیا هستند _ جایی در این گفتگوها ندارد .

ترکیه ماههاست صحنه اعتراضات شدید مردمی به ارتباط دولت اردوغان با رژیم صهیونیستی است.

نتیجه گیری :

در دهه های پیشین دوره ای وجود داشت که هم کشورهای اروپایی گرفتار اعتراضات مردمی بودند و هم خاورمیانه و آسیا ، اما این دوره با توطئه سیاستمداران غربی تنها در خاورمیانه ادامه پیدا کرد . رژیم اشغالگر قدس بیش از شش دهه نقش کودک لوس و پرتوقع امپریالیسم غرب را در این منطقه ایفا کرده است .

یکی از وظایف این کودک نامشروع ممانعت از قدرت گیری و استقلال کشورهای مسلمان در خاورمیانه است . سرکوب انقلاب های حقیقی مردمی علیه حکومت های دیکتاتوری وابسته به غرب نیز از دیگر وظایف اسرائیل است . برای تحقق این اهداف نیز روشها و ابزارهای مختلفی برای آنها فراهم شده است . نیروهای امپریالیسم غربی نیز نهایت تلاش خود را برای ممانعت از ورود اسلام به عالم سیاست انجام میدهند .

شهروندان غربی باید از دولتهای خود بخواهند این بازی بیمارگونه خود را با هدف اشغالگری و تقسیم کشورهای خاورمیانه پایان دهند.
چطور اسرائیل بعنوان دولتی یهودی از سوی کشورهای غربی پذیرفته شده است اما برخی دولتهای منطقه بعنوان دولت های مسلمان غیرقابل قبول بوده و علیه آنان شعار «جدایی دین از سیاست» مطرح می گردد ؟

در فلسطین ، لیبی ، عراق ، یمن ، افغانستان و دیگر کشورهای عربی ومسلمان منطقه نیز می توان شواهدفرلوان و دراز مدتی از امپریالیسم آمریکایی ، اسرائیلی و اروپایی را یافت که فشار اصلی اقدامات آنها متوجه ملت های آن شده است . هزاران کشته و زخمی در بیش از ده سال تجاوز به خاک افغانستان ، تخریب دهها و صدها ساختار زیربنایی در پاکستان ویمن توسط جنگنده های بدون سرنشین آمریکایی بخشی از پیامدهای این امپراطوری است .

پس از سالها که از این امپراطوری می گذرد و برای اولین بار در تونس ، جرقه مبارزه علیه حکام وابسته به غرب در میان ملت های منطقه روشن گردید . این نهضت با قوت ادامه یافت و با یافتن سمت و سوی اصلی نام « بیداری اسلامی» را برای خود برگزید . در انتهای این گزارش آمده است :
چنانچه دولت ایالات متحده به این روند در جهان ادامه دهد نه تنها در داخل کشور بلکه در تمام نقاط جهان جایگاهی نخواهد داشت . فرمانبرداری بی چون و چرا از لابی صهیونیستی عامل اصلی است که روسای جمهور آمریکا را ناچار کرده بذر نفرت از این کشور را در قلب تمامی ملت ها بخصوص مات های مسلمان بکارند .

تمرکز دوریین ها بر سوریه فرصت سازی برای ظلم آل خلیفه بر شیعیان است

دهند و تعداد آن ها بالغ بر ۷۵ درصد جمعیت است.

الشائب در بخش دیگر سخنان خود گفت: رژیم بحرین برای سرکوب انتفاضه مردمی، از نظامیان آل سعود و دیگر رژیم های عربی حاشیه خلیج فارس کمک گرفته است.اشغال بحرین توسط نظامیان آل سعود برای نخستین بار در تاریخ رخ می دهد.

از طرفی، برادران شیعه در عربستان نیز با ملت بحرین همدردی می کنند. آن ها تظاهرات گسترده ای نیز در کشور خود بر پا کرده اند. طبیعی است که این امر ترس نظام سرکوبگر را می افزاید زیرا همدردی و همبستگی این ملت ها، موقعیت آن ها را متزلزل نموده و برای آن ها چیزی جز نتایج سهمگین در بر نخواهد داشت.

وی افزود: «از طرفی دیگر، هر تغییر و تحول در منطقه و اتحاد ملت ها، به یقین موقعیت آل سعود را به خطر می اندازد. بنابراین این رژیم برای جلوگیری از لرزش عرش خود، دست پیش گرفت و با حکومت آل خلیفه برای جلوگیری از پیروزی انقلابیون بحرینی متحد شد.

های جهان موجب شده اذهان جهان بیش از پیش به حقانیت دولت و ملت سوریه اذعان کنند .

کشورهایی غربی که مدعی حمایت از حقوق بشر و دموکراسی هستند حامی شماره یک این جانیان در سوریه محسوب می شوند . دولت سوریه اعلام کرد به مناسبت آغاز ماه رمضان درگیری ها متوقف گردد اما این تروریستها بنا به دستور روسای آمریکایی و صهیونیستی خود این پیشنهاد صلح آمیز را رد و همچنان به خشونت های وحشیانه خود ادامه ی دهند .

دست آخر اینکه از این تداوم درگیری و خونریزی در سوریه کسی جز رژیم صهیونیستی سود نمی برد . آنگاه که توجه تمامی جهانیان به وقایعی است که در سوریه رخ میدهد اشغالگران قدس با آرامش بیشتری می توانند به محاصره غزه و ایجاد فاجعه انسانی در این منطقه ادامه دهند . شهرک سازبهای غیرقانونی و کشتار و خشونت علیه فلسطینیان با وجود درگیری در نقاط دیگری از خاورمیانه بهتر می تواند ادامه یابد !

لبنان :

در این کشورروحانی تکفیری افراطی که به «شیخ فتنه «شهرت دارد نماینده ای از سوی اسرائیل و غرب گماشته شده تا با ایجاد آشوب و اختلاف لبنان را نیز به وضعیتی که در سوریه در حال وقوع است بکشاند . این تلاش شیخ فتنه برای آشوبگری تا آنجا ادامه یافت که ارتش لبنان برای بازگشت آرامش به مناطق این کشور وارد میدان شد . طی ماههای اخیرودر راستای ایجاداختلاف میان جمعیت های شیعه و سنی در لبنان ، چندین انفجار تروریستی در مناطق شیعه نشین بیروت رخ داد. این تلاش برای اختلاف افکنی میان احزاب و فرقه های مختلف طرحی است که در دیگر کشورها نیز در حال اجرا شدن است .

مسلمانان این کشور بارها با برگزاری تظاهرات های گوناگون از وجود اختلاف میان شیعه و سنی اعلام برائت کرده اند و خواستار توقف فتنه گریهای آمریکا ، اسرائیل و تعدادی از کشورهای اروپایی در امور داخلی کشورانها شدند .

گفتنی است مقامات دولتی و کشوری لبنان نیز در اظهارات خود از دخالت و آشوب گری های کشورهایی که مدعی برقراری حقوق بشر هستند انتقادو ابراز تاسف کردند.

اردن و ترکیه :

در هردوی این کشورها ماههاست کم و بیش شاهد برگزاری اعتراضات دسته جمعی مردمی هستند . اعتراض مردم به روابط نزدیک دولت هایشان با آمریکا و رژیم صهیونیستی است . موج گسترده ای از مهاجران سوری برای فرار از تروریستهای مورد حمایت غرب ، عربستان ، قطر واسرائیل به این دو کشور پناهنده شده و علاوه بر ایجاد شرایطی نامناسب برای مردم اردن و ترکیه ، خود نیز در وضع نابسامان و اسفناکی زندگی می کنند .

ترک ها و اردنی ها عامل این وضع خود و مهاجران سوری را حامیان تروریستها و دولت های خود می دانند . کمیته حقوق بشر بطور مرتب در این کشورها برگزار می شود اما کمترین توجهی به وضعیت شهروندان

اجرای عدالت اجتماعی خواهیم بود.»

وی افزود: «به جرئت می توان گفت انقلاب بحرین، انقلابی مردمی بود که در آن گروه ها و احزاب مختلف شرکت داشتند چرا که برای همه نمایان شد رژیم آل خلیفه تنها به مصلحت خود می اندیشد.»

الشائب در ادامه گفت: «متأسفانه رژیم آل خلیفه بیش ترین تبعیض را در تقسیم سرانه و امور دیگر به ویژه تبعیض مذهبی بر ضد پیروان اهل بیت که اکثریت مردم این کشور را در بر می گیرد، انجام می دهد؛ البته این امر بر کسی پوشیده نیست.»وی افزود: «شیعیان از انجام فعالیت های تجاری مختلف و گرفتن گواهینامه مانع شده اند. مسلمان این اقدامات غیر انسانی، وضعیت مردم شیعه بحرینی را سخت می نماید و باعث رنجش آن ها از کمبود امکانات، فقر و اقدامات ناپسایست می شود.»۷۵ درصد از درآمد این کشور به افرادی اختصاص یافته که در نهایت ۲۵ درصد از مردم را در بر می گیرند.همچنین تنها ۲۵ درصد از درآمد را به طبقه ای اختصاص داده اند که اکثریت این کشور را تشکیل می

وی افزود وقوع بحران در هر جای جهان که باشد، چه در سوریه یا عراق، چه در لبنان یا فلسطین، فرقی به حال آل خلیفه ندارد؛ آن چه با اهمیت می نماید مشغول شدن افکار عمومی به دیگر بحران ها خواهد بود و همزمان با آن، به دور ماندن ذهن و توجه ملت ها از ستم و اقدام های وحشیانه در حق مردم مظلوم بحرین است. این ملت در مقابل چشمان باز و دهان بسته مدعیان دموکراسی، با اراده و ایمان قوی به مبارزه خود با رژیم پادشاهی و دیکتاتور آل خلیفه ادامه می دهد. بی تردید این نظام رو به زوال است، این فعال سیاسی با توصیف انقلاب مردم بحرین به «انتفاضه مردمی» یادآور شد: «مخالفت و اعتراض به نظام آل خلیفه تنها بر پایه اعتراض مذهبی نیست بلکه بر بنیان و اصول ملی است. ما شاهد ظلم و ستم به شیعیان بحرینی از طرف رژیم وحشی آل خلیفه هستیم ولی اساس انقلاب مردم، آزادی و عدالت و مساوات است. ما در هر زمان و مکان و هر حاکمیتی اعم از مسیحی و سنی یا شیعی و یا هر مذهب دیگر، خواستار

آیت الله اراکی در گفتگو با تقریب: امت اسلامی با خطر جریان تکفیری مواجه است



آیت الله «محسن اراکی» دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در حاشیه مراسم بزرگداشت علامه شهید «شیخ حسن شحاته» عالم شیعی مصر و یارانش، که در مسجد

ارگ تهران برگزار شد، در گفتگو با خبرنگار تقریب با اشاره به وجود دو خطر داخلی و خارجی برای امت اسلامی خاطرنشان کرد: مسلمانان باید در مقابل این دو خطر متحد شده و یک صف واحد تشکیل دهند.

وی افزود: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی بر این نکته مهم در جایگاه‌های بسیار و نشست‌ها و کنفرانس‌های متعدد تصریح کرده و خواستار وحدت مسلمانان شده است.

آیت الله اراکی همچنین جامعه مصر به ویژه مؤسسات دینی و اسلامی میانه رو مانند الازهر شریف را مورد خطاب قرار داد و بر ضرورت مقابله با گروه‌های تکفیری و تنویر افکار عمومی نسبت به خطرات اندیشه تکفیری و آثار تخریب‌گرانه این جریان در مصر و سایر کشورهای اسلامی تأکید کرد.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در پاسخ به سؤالی در مورد حوادث کنونی مصر خاطرنشان کرد: شایسته بود که جنبش اسلامی در مصر، از فرصت‌هایی که در زمان حاکمیت مصر بدست آورده است استفاده کند و با دعوت به وحدت و تقریب میان پیروان مذاهب اسلامی، تفرقه میان امت اسلامی را از بین ببرد. اما متأسفانه شاهد بودیم که اینان با جریان تکفیری همسو شده و در یک صف قرار گرفتند و به جای حمایت از وحدت‌گرایان و جریان تقریبی، از طرف‌های تکفیری و افراطی حمایت کردند.

وی افزود: با کمال تأسف، اینان همه درها را بر کسانی که خواهان تقریب و گفتگو و همیاری میان مسلمانان بودند بستند. این درحالی است که ما بارها به اینان توصیه کردیم که روش حکومتی ی که در پیش گرفته‌اند، به سود خود آنان و ملت مصر و امت اسلامی نخواهد بود.

آیت الله اراکی در ادامه افزود: ما از خداوند متعال خیر کثیر و وحدت برای ملت مصر خواستاریم تا آنان بتوانند بهترین تصمیم را برای آینده کشورشان اتخاذ کنند و تصمیمی باشد که برای جهان اسلام مایه خیر و برکت باشد.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با اشاره به طرح «کمپنه صلح اسلامی» که مجمع تقریب در راستای سیاست‌های جدید خود آغاز کرده است، گفت: این کمپنه به منظور ادامه تحقق اهداف خود، جلسات مکرری با حضور اعضا تشکیل داده است که اولین جلسه در بیروت، پایتخت کشور لبنان بود و در آن، تصمیمات خوبی اتخاذ شد.

وی در پایان خاطرنشان کرد: ما برای ادامه این تصمیم‌گیری‌ها در تونس نیز نشستی برگزار کردیم و در همین رابطه با رجال سیاسی و رهبران ادیان دیدار داشتیم. آنان با استقبال از اینگونه نشست‌ها، برای همکاری با کمپنه صلح اسلامی به ویژه در زمینه تحقق صلح و نزدیکی میان مسلمانان اعلام آمادگی کردند؛ و ما نیز آرزوی آینده‌ای خوب و درخشان برای این کمپنه می‌کنیم و تلاش خود را در این راه ادامه خواهیم داد.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: از تندروی نسبت به عقاید مذاهب دیگر پرهیزید

وی با تأکید بر این که «مسائل اعتقادی در منابر باید مورد توجه قرار گیرد» اظهار کرد: یکی از مسائل دیگری که باید به آن توجه کرد موضوع شیعه هراسی و شیعه ستیزی است که وهابیت تکفیری از گسترش تفکر و مکتب اهل بیت(ع) به هراس افتاده‌اند. این مرجع تقلید با بیان این که «سرمایه اصلی وهابیت تکفیری دروغ است» تصریح کرد: رسانه‌ها، صدا و سیما، خطبا و مبلغان باید اصیل‌ترین عقاید اسلام که متعلق به پیروان اهل بیت(ع) است را برای مردم تبیین کنند. حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی با تأکید بر این که «باید جلوی تندروی‌ها را بگیریم» گفت: در منابر نباید نسبت به عقاید مذاهب دیگر تندروی صورت گیرد چراکه بهانه به دست دشمنان و بدخواهان می‌دهد.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی، بر لزوم پرهیز از تندروی نسبت به عقاید مذاهب دیگر در منابر تأکید کرد. این مرجع تقلید در سومین نشست مبلغان نخبه برتر کشور که در آستانه ماه مبارک رمضان در مدرسه امام امیرالمؤمنین(ع) قم برگزار شد، مهم‌ترین سرمایه جوامع مختلف را نیروی انسانی دانست و اظهار کرد: در بین نیروی انسانی، نخبگان حرف بالاتر را می‌زنند و باید به آن‌ها بهای لازم داده شود چراکه در این صورت مشکلات حل خواهد شد. آیت‌الله مکارم شیرازی یکی از مهم‌ترین اولویت‌هایی که مبلغان نخبه می‌بایست به آن توجه کنند را مسائل اعتقادی ذکر و تأکید کرد: تا اعتقادات و باورهای جامعه تقویت و مستحکم نشود در سایر عرصه‌ها نیز توفیقی به دست نخواهیم آورد.

شیخ الازهر:

تکفیر شیعه ممنوع است

قرآن، حدیث و اسلام برای آن وجود ندارد. الطیب به برخی تهمت‌ها علیه شیعیان هم پاسخ داد و تأکید کرد: ما پشت سر شیعیان نماز می‌خوانیم و آن طور که شایعه می‌کنند شیعیان قرآن دیگری ندارند. اگر شیعیان قرآن دیگری داشتند از دید مستشرقین مخفی نمی‌ماند و آنها این مطلب را اعلام می‌کردند. رئیس الازهر با بیان اینکه هیچ اختلافی بین سنی و شیعه که آنها را از اسلام خارج کند وجود ندارد گفت: به وجود آموختن مسائل فعلی، بهره‌برداری سیاسی از اختلافات اجتهادی است. هدف اصلی دانشگاه الازهر وحدت امت اسلامی با وجود تفاوت در مسائل اجتهادی است. الطیب آمادگی خود را برای سفر به هر مکانی که مسلمانان در آن اجتماع کرده باشند، بخصوص نجف اشرف اعلام کرد و افزود: من پدر سنی‌ها و شیعیان هستم و بزودی به عراق سفر می‌کنم و نجف اشرف را هم زیارت خواهم نمود.

در حالی که سلفیون مصری در چند ماه اخیر بر تلاش‌های خود مبنی بر شیعه ستیزی شتاب بیشتری داده‌اند، شیخ الازهر یک بار دیگر در مقابل تکفیر شیعیان موضعگیری کرد و گفت: اگر چنین افکار بیهوده‌ای بر ما مسلط شود ما مسلمانانی با فرهنگ اسلام یا عربی‌ای با فرهنگ عربی محسوب نمی‌شویم.

«دکتر احمد الطیب» افزود: امروز ما به وحدت مسلمانان در سراسر کشورهای اسلامی نیاز داریم در حالی که برخی برای ایجاد تفرقه و فتنه برنامه‌ریزی می‌کنند. شیخ الازهر ادامه داد: وحدت ملت‌های مسلمان امری مهم و ضروری است که به آن نیاز داریم و بدون آن در هیچ روزی از روزها نمی‌توانیم سربلند باشیم.

وی گفته‌های پخش شده از شبکه‌های ماهواره‌ای مبنی بر تکفیر شیعیان را رد کرد و گفت: این امری غیر قابل قبول است و هیچ توجیهی در

جریان تکفیری در خدمت اهداف دشمنان اسلام است

دعوت باید با عقل و روح علم هماهنگی داشته باشد. شیخ احمد حسون مفتی سوریه هم در این همایش گفت: امروز نقش تاریخی سوریه باعث شده است تا در آن توطئه‌ها برای سوریه ای شکل بگیرد که مقاومت و جهاد در فلسطین و مقاومت اسلامی لبنان را در کنف حمایت خود گرفته بود. شیخ احمد حسون همه افزود: همه این فتنه‌ها فلسطین را هدف قرار داده است تا با ایجاد درگیری‌های داخلی امنیت رژیم صهیونیستی را تأمین کنند. شیخ حسان عبدالله رئیس دفتر اجرایی اتحادیه بلاد شام در این کنفرانس گفت: فتنه تکفیری جنگ علیه اسلام است نه جنگ بین مسلمانان و هر کس که تصور می‌کند می‌تواند بین مسلمین تفرقه ایجاد کند در مسیر غلطی حرکت می‌کند.

شیخ عبدالله کتمو نماینده علمای فلسطین نیز در این کنفرانس گفت: یگانه دشمن امت اسلام اسرائیل و امریکا است و هیچ دشمن ساختگی دیگری وجود ندارد

محمد توفیق البوطی، رئیس اتحادیه علمای بلاد شام و فرزند شهید شیخ رمضان البوطی که در یک عملیات تروریستی توسط تکفیری‌ها در دمشق به شهادت رسید، در کنفرانس اسلام و فتنه تکفیر گفت: اندیشه تکفیری هیچ یک مستند به مبانی اسلامی نیست و در صدر اسلام هیچ نمونه‌ای از آن را در بین صحابه ندیده‌ایم بلکه حقد و کینه‌های فردی است که با اهداف سیاسی اجرا می‌شود.

وی افزود: تبلیغ کلمه حق و شناخت حکم شرعی به مقابله امانتی است که بر دوش همه علمای اسلام است زیرا جهل به حکم شرعی موضوعی خطرناک است به خصوص برای کسانی که می‌خواهند در برابر اندیشه تکفیری ایستادگی کنند.

شیخ بوطی همچنین گفت: دعوت به اسلام را باید بر اساس دعوت حسنه و گسترش سخن زیبا همراه با حکمت و دعوت به رحمت و بخشش انجام دهیم و بدانی که اختلاف بین مردم امری طبیعی است اما

در کنفرانس اسلام و فتنه تکفیر، بر مخالفت با دیدگاه‌های تکفیری تأکید شد

در مصر، سوریه، عراق و پاکستان شرم آور و جنایت علیه بشریت است. عاملان این جنایت‌ها با اتهام نسل کشی باید محاکمه شوند.

این بیانیه از امت اسلامی خواست به تسامح اسلامی توجه کنند و اختلاف را با گفتگو حل و فصل کنند، زیرا درگیری و کشمکش در امت اسلامی فقط به نفع دشمنان آن است.

شیخ احمد الجزراوی خاطر نشان کرد: ما به امت اسلامی وظیفه اصلی‌اش در برابر فلسطین را یادآوری می‌کنیم. فلسطین باید از لوٹ اشغالگری صهیونیست‌ها پاک شود. آزاد کردن فلسطین فقط با ادامه خط مشی مقاومت به شیوه‌های مختلف به ویژه مقاومت مسلحانه امکان پذیر است. مقاومت مسلحانه بود که دشمن صهیونیستی را به عقب نشینی از لبنان وادار کرد.

مسلمانان متوقف نشده‌است و مسلمانان به دست گروه‌های تکفیری که از اسلام به عنوان پوششی برای فعالیت خود استفاده می‌کنند، کشته می‌شوند. جامعه جهانی اجازه بدهد ملت سوریه خود آینده‌اش را تعیین کند.

در بیانیه پایانی این کنفرانس آمده است: خط مشی تکفیری مخالف قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام (ص) است. تکفیری‌ها به دنبال دور کردن نگاه مردم از دشمن واقعی امت اسلامی یعنی رژیم صهیونیستی هستند. شبکه‌های تلویزیونی تکفیری که دغدغه‌ای به جز فتنه و نفرت‌انگیزی و ایجاد دشمنی و تفرقه بین امت اسلامی ندارند، نقش خطرناکی در برهم زدن وحدت امت اسلامی ایفا می‌کنند. کسانی که در این شبکه‌های تلویزیونی سخن می‌گویند تفاوتی با کسانی ندارند که مسلمانان را با دست خود می‌کشند. جنایت‌های تکفیری‌ها

کنفرانس اتحادیه علمای بلاد شام در پایان کنفرانس دو روزه خود در بیروت با عنوان «تسامح اسلام و فتنه تکفیر»، از علمای اسلامی خواست با افراط‌گرایی و تفرکات تکفیری مقابله کنند.

شیخ احمد الجزائری که بیانیه پایانی این کنفرانس را قرائت می‌کرد گفت: «طرفداران دیدگاه تکفیری با تفرکات خود به دنبال از بین بردن مخالفان خود هستند و ریختن خون آنها را حلال می‌دانند. دیدگاه‌های آنها به هیچ وجه پایه و اساس دینی و انگیزه دینی ندارد، بلکه آنها به دنبال اهداف سیاسی مورد نظر خود هستند. آنها با جنایت‌های خود، فجایعی را برای امت اسلامی به همراه آورده‌اند.»

اتحادیه علمای بلاد شام هر نوع دخالت خارجی در امور امت اسلامی را رد کرد و افزود: توطئه‌ها علیه اسلام و

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

سردبیر: سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفائیة) / نبش ممتاز

تلفکس: ۱۴۲۳ ۷۷۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

مجموعه سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

ادامه از صفحه اول

وی با تاکید بر اینکه باید روز به روز در گسترش مفاهیم نهج البلاغه بکوشیم، تصریح کرد: این موسوعه در ۳۰ جلد تدوین شده که حاصل ۲۵ سال کار مداوم محققان و پژوهشگران حوزوی است. رئیس بنیاد نهج‌البلاغه تاکید کرد: چنین موسوعه‌هایی نباید تنها در کتابخانه‌ها محصور مانده و کسی استفاده نکند، بلکه باید در اختیار همگان به ویژه محققان قرار گیرد.

آیت‌الله دین‌پرور بیان داشت: در حکومت اسلامی باید تمام امور بر اساس فرهنگ دینی و روایات ائمه اطهار(ع) سامان‌دهی شود بنابراین مجلس شورای اسلامی و مرکز پژوهش‌های مجلس می‌توانند همکاری لازم را برای ارائه طرح‌ها و لایحه‌ها با استفاده از احادیث به جا مانده از امیرمومنان(ع) داشته باشند.

رئیس بنیاد نهج‌البلاغه با اشاره به طرح‌ها و قوانین گفت: متأسفانه آنگونه که باید و شاید در طرح و تصویب قوانین به احادیث اسلامی توجه نشده است که اگر توجه شود مشکلی در موضوع مسائل اقتصادی و غیره نخواهیم داشت.

آیت‌الله دین‌پرور تاکید کرد: این مرکز در حدود ۱۰ سال است که راه‌اندازی شده و کارهای بزرگی انجام داده اما هنوز ابتدای کار هستیم که باید روز به روز کارها و تحقیقات افزایش یابد.

۲۱۶ باب برای موسوعهٔ الاحادیث العلویهٔ

حجت‌الاسلام محسن مهاجرنیا، معاون آموزش بنیاد نهج‌البلاغه هم در این مراسم گفت: موسوعهٔ الاحادیث العلویه در ۳۰ جلد در ابواب گوناگون تدوین شده که این کتاب گرانسنگ دارای ۱۶ هزار صفحه بوده و ۷۰ هزار حدیث را گردآوری کرده است.

مدیر بخش نشر مکتوب:

۶۰ درصد ناشران نمایشگاه بین‌المللی قرآن از قم آمده‌اند

مدیر بخش نشر مکتوب بیست و یکمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم گفت: بیش از ۲۰۰ ناشر دینی به این نمایشگاه آمده‌اند و بیش از ۶۰ درصد ناشران بیست و یکمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم را ناشران استان قم تشکیل داده‌اند.

حمید خرمی اظهار کرد: در این دوره از نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم علاوه بر ناشران ایرانی، ۵۰ ناشر از کشورهای لبنان، عراق، ترکیه، مصر، اردن و سوریه با بیش از پنج هزار عنوان کتاب در نمایشگاه قرآن شرکت کرده‌اند. در این دوره از نمایشگاه قرآن کوشیده شده تا نیازهای مختلف مطالعاتی مخاطبان را در نظر گرفته شود.

وی درباره میزان استقبال بازدیدکنندگان از بیست و یکمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم عنوان کرد: با توجه به پشت‌سر گذاشتن هفته اول ماه مبارک، روند استقبال از این نمایشگاه رو به گسترش است.

رییس اتحادیه ناشران استان قم تفاوت این دوره از نمایشگاه قرآن با دوره‌های پیشین آن را در محدودیت فیزیکی محل برپایی نمایشگاه قرآن کریم دانست و بیان کرد: کاهش حدود ۷۰۰ متری این فضا، سبب تراکم ناشران در بخش مکتوب و همچنین غیبت ۱۰۰ ناشر دینی شده است. امیدواریم در بیست و دومین نمایشگاه قرآن این مشکل حل و فرصت شرکت برای همه ناشران علوم قرآنی و دینی فراهم شود.

وی درباره ناشران بخش مکتوب یادآور شد: در این بخش علاوه بر ناشران عمومی داخلی، ناشران بخش‌های کودک و

با حضور حضرت آیت‌الله سبحانی

موسوعه ۳۰ جلدی الاحادیث العلویه، در بنیاد بین‌المللی نهج البلاغه قم رونمایی شد

در خصوص نهج البلاغه است و توانسته این کتاب با ارزش و گرانقدر را به دروس حوزه علمیه وارد کند.

وی با بیان اینکه برخی از افراد در طول تاریخ تأثیری نداشتند و موجی را ایجاد نکردند افزود: وجود برخی از شخصیت‌ها توانسته در جامعه موجی را به راه بیندازد اما این تأثیرگذاری آن‌ها تنها به زمان عمرشان محدود می‌شد.

استاد برجسته حوزه علمیه قم ادامه داد: اعمال و کردار و گفتار برخی از انسان‌ها با وجود گذشت قرن‌ها، هنوز در جامعه موج ایجاد می‌کند، اما موج فکری که ائمه عصمت

و طهارت(ع) ایجاد کرده‌اند تأثیرات آن تا پایان دنیا نیز باقی خواهد ماند. وی ابراز داشت: انبیاء و اولیاء الهی به دلیل تأثیرگذاری نامتناهی خود دارای مقامات بالایی هستند و شخصیتی الهی دارند.

حضرت آیت الله سبحانی گفت: هر چقدر هم که برای قرآن کار شود باز هم کم است و جای کار وجود دارد و در خصوص شیوه زندگانی، اخلاق و گفتار انبیاء و اولیاء الهی نیز اینگونه شرایطی حاکم است.

وی با بیان اینکه علامه طباطبایی عنوان کردند که بیش از ۱۲ هزار حدیث و خطبه از امیرالمومنین(ع) وجود دارد، افزود: درج ۷۰ هزار روایت از حضرت علی(ع) در این موسوعه نشان‌دهنده نامتناهی بودن گفتار و کردار آن حضرت است.

این مرجع تقلید در ادامه با اشاره به ویژگی‌های تدوین کتاب موسوعه الاحادیث العلویه اظهار داشت: احادیث، احکام، اعتقادات و اخلاق در روایات حضرت علی(ع) در این کتاب آمده است اما باید توجه داشت که در بیان خطبه‌های توحیدی ابتدا باید خطبه‌هایی که در نهج البلاغه آمده را ذکر کرد چرا که این کتاب جزو منابع اصیل به شمار می‌رود.

وی علی(ع) را حامل علم لدنی دانست و ابراز داشت: حضرت علی(ع) کلمات فراوانی داشتند که در زمان حضور پیامبر اسلام(ص) کلمات قصار خود را بیان نفرمودند.

آیت الله سبحانی گفت: علی(ع) تنها کسی بودند که همواره همراه پیامبر اکرم(ص) بود و تمام مطالب وحی و بیانات آن حضرت را ثبت و ضبط کردند. این مرجع تقلید افزود: به همین دلیل خطبه‌هایی که از آن حضرت به جا مانده است تعجب بر انگیز نیست و موجی که ایشان به راه انداختند تا روز قیامت ادامه خواهد داشت.



باید پرسید این چه گونه جهادی است که مسلمانان در آن کشته و از بین می‌روند. وی با اشاره به حضور سرویس‌های بیگانه در پشت جریانات افراطی همانند تکفیری‌ها ادامه داد: این حضور در کشورهای مختلفی از جمله عراق، افغانستان و مصر دیده شده است.

رئیس مجلس شورای اسلامی، اضافه کرد: در کشور عراق نیز اطلاع یافتیم برخی از کشورهای غربی با گروه‌های افراطی و تندرو جلساتی را برگزار کردند و به این گروه‌ها قول حمایت و پشتیبانی داده‌اند تا بتوانند به شیعیان و همچنین جمهوری اسلامی ضربه بزنند و حمله کنند.

وی در ادامه عنوان کرد: گروه‌های تکفیری عصر امروز با گروه خوارج شباهت دارند و جریانات تندرو و افراطی تکفیری به دستاویزی برای برخی از کشورهای غربی تبدیل شده‌اند و برای زورگویان میدان داری می‌کنند.

آقای لاریجانی ابراز داشت: اعتدال و عقلانیت از ویژه گی‌های تفکر شیعی است و ترس غربی‌ها هم در مبارزه با ایران و مکتب تشیع نیز همین عامل است.

حضرت آیت الله سبحانی:

موج گفتار و کردار حضرت علی(ع) تا روز قیامت ادامه دار خواهد بود

مرجع تقلید شیعیان، با بیان اینکه حضرت علی(ع) تنها کسی بود که همواره، همراه پیامبر اکرم(ص) بود، افزود: موجی که ایشان به راه انداختند تا روز قیامت ادامه خواهد داشت.

حضرت آیت الله جعفر سبحانی، در مراسم رونمایی از کتاب موسوعه الاحادیث العلویه که در بنیاد بین‌المللی نهج البلاغه برگزار شد، اظهار داشت: بنیاد بین‌المللی نهج البلاغه امروز دارای آثار مکتوب و تدریس

اهدای کتابخانه شخصی آیت‌الله موسوی لاری

به کتابخانه امام رضا(ع)

مجموعه کتاب‌های کتابخانه شخصی مرحوم حضرت آیت‌الله سید مجتبی موسوی لاری، شامل ۲۳۹ نسخه کتاب خطی و چاپ سنگی ارزشمند، به گنجینه مخطوطات کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی اهدا شد.

به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، رئیس این سازمان با بیان این مطلب گفت: در این کتابخانه، ۲۳۹ نسخه کتاب، شامل ۷۴ نسخه کتاب خطی و ۱۶۵ نسخه کتاب چاپ سنگی وجود دارد که برخی از آن‌ها علاوه بر این که از نظر علمی و تاریخی، نفیس و ارزشمند هستند، از نظر خط و تذهیب نیز دارای ارزش و اهمیت فراوانی هستند. محمدهادی زاهدی خاطر‌نشان کرد: این مجموعه که توسط فرزندان آن بزرگوار به آستان ملکوتی حضرت رضا علیه‌السلام وقف شده است، پس از شناسایی، ثبت و فهرست‌نویسی در اختیار دانش‌پژوهان و نسخه‌شناسان قرار می‌گیرد.

وی با بیان این که در این مجموعه، کتاب‌های خطی ارزشمندی از آثار علما، فضلا و دانشمندان بزرگ اسلامی وجود دارد که مورد توجه بسیاری از علاقه‌مندان به آثار خطی و چاپ سنگی است، افزود: تشریح الافلاک شیخ بهایی، تقریرات شیخ انصاری، الفوائد بحرالعلوم، شواهد الربوبیه و مبدأ و معاد ملاصدرا، عناوین برخی از کتاب‌های خطی اهدایی است.

رئیس سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی به برخی دیگر از تفایس این مجموعه، مانند الکافی محمد بن یعقوب کلینی، الروضة البهیة شهید ثانی، جواهر الاسرار (نخستین شرح مثنوی مولوی)، اسرار الحکم مآل هادی سبزواری، الفوائد الطوسیة شیخ حرعاملی و مدارک الاحکام پرداخت و گفت: گنجینه کتاب‌های خطی و چاپ سنگی اهدایی حضرت آیت‌الله موسوی لاری، در قفسه‌های جداگانه با درج نام واقف، در گنجینه بزرگ نسخه‌های خطی آستان قدس رضوی، حفاظت و نگهداری می‌شود.

زاهدی اضافه کرد: کتابخانه آستان قدس رضوی با توجه به حفاظت، نگهداری و اطلاع‌رسانی دقیق علمی، جایگاهی امن و مطمئن برای آثار علمی، فرهنگی، تاریخی و هنری دانشمندان و نویسندگان جهان اسلام به شمار می‌آید. گنجینه مخطوطات آستان قدس رضوی با بیش از ۸۵ هزار نسخه نفیس خطی، شامل مصاحف شریف منسوب به ائمه اطهار علیهم‌السلام، قرآن‌های کتابت‌شده بر روی پوست آهو، کتاب‌ها و رسائل علمی، فرهنگی و هنری، جلد‌های نفیس روغنی، سوخت و معرق، مرقعات هنری و ...، یکی از غنی‌ترین گنجینه‌های نسخه‌های خطی در منطقه و جهان اسلام به شمار می‌آید.

سارا سرخانزاده -خبرگزاری کتاب